

ایران: مجازات اعدام

سیاست دولتی ایجاد وحشت

ماده ۱: تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه‌ی برادری رفتار کنند. ماده ۲: هر کس می‌تواند بی‌هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و همچنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه‌ی آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. ماده ۳: هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. ماده ۴: هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت. بردگی و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است. ماده ۵: هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد. ماده ۶: هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا در برابر قانون به رسمیت شناخته شود. ماده ۷: همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی‌هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه‌ی حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند.



اردیبهشت 1388 (آوریل 2009)

ایران: مجازات اعدام

سیاست دولتی ایجاد وحشت

2	مقدمه
5	نگاه تاریخی
8	چارچوب قانونی در داخل کشور: جرائم مستوجب اعدام
20	چارچوب حقوقی بین‌المللی
23	حق محاکمه‌ی عادلانه
26	اعدام مجرمان نوجوان
31	اقلیت‌های مذهبی
34	اقلیت‌های قومی
37	روش‌های اعدام
46	نتایج و توصیه‌ها

پیوست: جدول گزارش مجرمان نوجوان (در تارنمای فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر www.fidh.org)

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران مجازات مرگ را در قوانین خود حفظ کرده و در حال حاضر از نظر تعداد اعدام‌ها در جهان پس از چین در رتبه دوم و از لحاظ تعداد سرانه‌ی اعدام در رتبه‌ی اول قرار دارد.

در دورانی که حرکت به سوی لغو مجازات اعدام¹ در سراسر جهان رو به گسترش است، تمایز جمهوری اسلامی ایران در تعداد زیاد اعدام‌هایی است که در شرایطی آشکارا ناقض موازین بین‌المللی حقوق بشر انجام می‌پذیرد. بنا به گزارش ائتلاف جهانی برضد مجازات اعدام، ایران در سال 2007² حداقل 317 نفر³ را اعدام کرده است. این تعداد دوبرابر تعداد اعدام‌ها در سال 2006⁴ و چهار برابر سال 2005⁵ است. در سال 2008⁶، تعداد 346 اعدام در ایران به ثبت رسیده است.⁷ در سه ماهه‌ی اول سال 2009، یعنی از دی تا ابتدای فروردین 1387، سازمان عفو بین‌الملل 120 مورد اعدام در ایران را ثبت کرده است. این تعداد قطعاً کمتر از تعداد واقعی است، زیرا آمار مربوط به تعداد اعدام‌های انجام شده در کشور در دسترس عموم قرار ندارد.

با نگرانی از تعداد رو به فزونی اعدام‌ها از یک طرف و تداوم رویه‌هایی که به صراحت در مغایرت با موازین بین‌المللی مربوط به مجازات اعدام هستند از طرف دیگر، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) تصمیم گرفت پژوهشی در باره‌ی کاربرد مجازات اعدام در ایران انجام دهد. گزارش حاضر بر پژوهش مستند استوار است. آمار و ارقام در این پژوهش بر گزارش‌های موثق‌ترین سازمان‌های حقوق بشری غیرجانبدار بین‌المللی استوار است، از جمله: سازمان عفو بین‌الملل، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر، دست‌ها از قایل کوتاه، دیده‌بان حقوق بشر. منابع سازمان ملل و روزنامه‌های منتشره در ایران نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. به علاوه، برای بررسی قوانین و مقررات جاری در جمهوری اسلامی ایران، از منابع مستقیم دولت ایران، یعنی قوه‌ی قضاییه، مجلس و سایر نهادهای دولتی استفاده کرده‌ایم. جای تأسف است که به رغم درخواست‌های مکرر در طی چند سال اخیر، دولت جمهوری اسلامی به فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر اجازه‌ی اعزام یک هیأت حقیقت‌یابی را به ایران نداده است.⁸

با وجود این که ارقام دقیق در دست نیست، از برخی اظهارات مقامات ایرانی می‌توان برآورد کرد که عده‌ی زیادی در ایران در حال حاضر محکوم به اعدام هستند. در تاریخ 27

¹ در دی ماه 1386 اکثریت قاطع کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ی شماره‌ی 62/149 «توقف کاربرد مجازات اعدام» را تصویب کردند که خواستار توقف اعدام در سراسر جهان شده است. جمهوری اسلامی ایران در میان 54 کشوری بود که علیه قطعنامه رای دادند. در دی ماه 1387، جمهوری اسلامی یکی از 46 کشوری بود که به قطعنامه‌ی مشابهی رای منفی دادند. قطعنامه با رای مثبت 106 کشور جهان تصویب شد.

² دی 1385 تا دی 1386

³ منابع دیگر تعداد بیشتری را گزارش کردند (نگاه کنید به جدول حداقل تعداد اعدام‌ها، فروردین 1388 - 1357)

⁴ دی 1384 تا دی 1385

⁵ دی 1383 تا دی 1384

⁶ دی 1386 تا دی 1387

⁷ <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/010/2009/en/90ed36ff-f6c8-11dd-b29a-27125ba517bb/mde130102009fa.html>

⁸ به ویژه در سال‌های 2002، 2007 و 2008 درخواست ارسال شده است.

شهریور 1387 دادستان شهر مشهد در شمال شرق ایران اعلام کرد که تنها در آن شهر، علاوه بر کسانی که به خاطر جرائم دیگر به اعدام محکوم شده‌اند، 500 نفر نیز به علت جرائم مربوط به مواد مخدر محکوم به اعدام هستند. دو هفته بعد، فرماندهی نیروی انتظامی دشتستان، شهری با 250000 نفر جمعیت در استان جنوبی بوشهر، در مصاحبه‌ای با یک روزنامه‌ی محلی گفت که در آن شهر 150 تن تنها به جرم قتل محکوم به اعدام هستند. در 14 اسفند 1385، آقای شهریار، نماینده زاهدان در مجلس در مصاحبه‌ای تأیید کرده بود که 700 نفر در استان سیستان بلوچستان در جنوب شرقی کشور در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می‌برند.

در ایران، طیف گسترده‌ای از جرائم مستوجب مجازات اعدام است که جرائم جنسی (مثل زنا، زنا محصنه، لواط، مساحقه، زنا با محارم، تجاوز به عنف)، نوشیدن مشروب الکلی، دزدی، قاچاق مواد مخدر، قتل، ارتداد و سب نبی (فحاشی به پیامبر)، محاربه/محاربه با خدا و فساد فی‌الارض - در جرائمی نظیر سرقت مسلحانه تا فعالیت مخالفان سیاسی یا جاسوسی - را در برمی‌گیرد. برخی جرائم اقتصادی نیز مستوجب حکم اعدام است.

اعدام‌ها غالباً به صورت گروهی انجام می‌شود. به عنوان مثال، در دو سال اخیر، موارد زیر برخی از نمونه‌های اعدام‌های گروهی هستند که گزارش شده‌اند:

- 38 نفر در تاریخ 24 تیر و 11 مرداد 1386؛ از این تعداد 16 نفر در برابر دیدگان مردم اعدام شدند و صحنه‌هایی از اعدام چهار تن از آنان از تلویزیون پخش شد.
- 21 تن در 14 شهریور 1386 اعدام شدند.
- 7 تن در تاریخ 22 شهریور 1386 در انظار عمومی در کرمان به دار آویخته شدند.
- 31 نفر در 29 آبان 1386 اعدام شدند.
- 23 نفر در فاصله‌ی 10 روز 11 تا 21 دی 1386 اعدام شدند.
- 10 تن در 1 اسفند 1386 اعدام شدند.
- 9 تن در اردیبهشت 1387 در بیرجند به دار آویخته شدند که یکی از آنها در انظار عمومی اعدام شد.
- 3 تن در اردیبهشت 1387 در اهواز به دار آویخته شدند.
- 12 تن در تیر 1387 در دشتستان اعدام شدند؛ از این تعداد چهار اعدام در انظار عمومی انجام شد.
- 29 تن در 6 مرداد 1387 در زندان اوین در تهران اعدام شدند.
- 10 تن از جمله یک زن - مادر دو کودک خردسال - در 6 آذر 1387 در زندان اوین اعدام شدند.
- 9 نفر محکوم به قصاص از جمله یک زن در 4 دی 1387 در زندان اوین به دار آویخته شدند.
- 4 نفر، زندان مرکزی اراک، 26 دی 1387
- 6 نفر، زندان اصفهان، 29 بهمن 1387
- 5 نفر، زندان اصفهان، 1 اسفند 1387
- 11 نفر، کرمانشاه، 12 اسفند 1387

به رغم دستور رئیس قوه‌ی قضاییه در بهمن 1386 مبنی بر توقف اعدام در انظار عمومی، بسیاری از اعدام‌ها از جمله اعدام‌های انجام شده در بیرجند و دشتستان در برابر دیدگان مردم صورت گرفته‌اند.

محدوده‌ی این گزارش، دیگر موارد نقض حق زندگی، به ویژه اعدام‌های فراقضائی و مرگ در زندان را در بر نمی‌گیرد. جمهوری اسلامی تاریخچه‌ای طولانی از اعدام‌های فراقضائی در داخل و خارج کشور را در پشت سر دارد. تعداد این‌گونه اعدام‌ها در داخل ایران ظرف چند سال منتهی به پائیز 1377 بین 80 تا 140 مورد برآورد می‌شود. این رقم در صورت افزودن ترورهای مخالفان در خارج از ایران به حدود 400 مورد بالغ می‌شود. بسیاری از این موارد به دلیل عدم رسیدگی عادلانه مکتوم مانده‌اند.

مرگ در زندان نیز یکی از موارد نگران کننده در جمهوری اسلامی ایران است که چون در این گزارش به گونه‌ای مستقل مورد بررسی قرار نگرفته، به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم. نخستین قربانی زهرا (زیبا) کاظمی، خبرنگار عکاس ایرانی - کانادایی، است که در 20 تیر 1382 در اثر ضربه به جمجمه‌اش کشته شد.⁹ یکی از فعالان دانشجویی به نام اکبر محمدی¹⁰ در 8 مرداد 1385 در زندان اوین جان باخت. ولی‌الله فیض مهدوی، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران (س.م.خ.ا) نیز در تاریخ 14 شهریور 1385 در زندان اوین جان باخت.¹¹ خانم زهرا بنی یعقوب، پزشک عمومی جوان، در تاریخ 21 مهر 1386 در بازداشت‌گاهی در شهر همدان جان باخت و مقامات اعلام کردند که او خود را به دار آویخته است.¹² ابراهیم لطف‌اللهی، دانشجوی حقوق گرد، در تاریخ 25 دی 1386 در زندان سنندج جان باخت.¹³ امیر حسین حشمت ساران، یک زندانی سیاسی، در 16 اسفند 1387 در زندان رجایی‌شهر در نزدیکی کرج جان باخت. او پنجمین سال حکم 16 ساله‌ی زندان خود را می‌گذراند. امید رضا میرصیافی، وبلاگ‌نویس، در 28 اسفند 1387 در زندان اوین جان باخت.¹⁴

⁹ <http://www.fidh.org/spip.php?article2438>

¹⁰ نگاه کنید به اطلاعیه‌ی فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر در پانوشت بعدی

¹¹ <http://www.fidh.org/spip.php?article3625>

¹² <http://www.guardian.co.uk/world/2007/dec/02/iran.roberttait> و <http://www.fidh.org/spip.php?article5122> بعضی منابع در گزارش‌های اولیه پس از درگذشت او، از او به نام زهرا بنی‌عامری یاد کرده‌اند.

¹³ <http://www.fidh.org/spip.php?article5122>

¹⁴ <http://www.fidh.org/article6467.6467> و <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/deaths-custody-iran-highlight-prison-authorities039-disregard-life-20090320>



© خبرگزاری مهر
در مرداد 1386 پنج نفر به جرم آدم‌ربایی و تجاوز در شهر مشهد به دار آویخته شدند

نگاه تاریخی

مجازات اعدام سالیان سال است که در ایران اجرا می‌شود، ولی تعداد اعدام‌ها پس از انقلاب 1357 به شدت افزایش یافته است. دولت جدید جمهوری اسلامی، که رهبران آن پیش‌تر با انتقاد از عملکرد شاه در زمینه‌ی حقوق بشر همراهی می‌کردند، بلافاصله پس از انقلاب موجی از اعدام به راه انداخت. در سال اول پس از انقلاب تعدادی از سیاست‌مداران، امیران ارتش و ماموران پلیس مخفی رژیم سابق که موفق به فرار از کشور نشده بودند، اعدام شدند. اما گزارش‌ها حاکی است که این موج تعدادی از ماموران سطح پائین پلیس را نیز در بر گرفت.

تعداد اعدام‌ها در دو سال اول پس از انقلاب اسلامی به چند صد مورد بالغ می‌شد. اما در پی سرکوب خونین گروه‌های مخالف و درگیری نیروهای امنیتی با این گروه‌ها، به ویژه با سپه‌بد، در خرداد 1360 تعداد اعدام‌ها به شدت افزایش یافت. سازمان عفو بین‌الملل در طی سال 1981 (دی 1359 تا دی 1360) تعداد 2,616 اعدام را ثبت کرده است، اما گمان می‌رود تعداد واقعی به مراتب بیشتر باشد. گزارش‌ها حاکی است که محاکمه‌ها، در صورتی که اصلاً محاکمه‌ای در کار می‌-

بود، شتابزده انجام می‌شد و به متهمان امکان تعیین وکیل یا دفاع از خود داده نمی‌شد.¹⁵ در میان قربانیان آن سال تعداد زیادی از نوجوانان و زنان وجود داشتند.

کشتار 1367

در سال‌های بعد از 1360 تا 1367، کاهش بی‌درنگ تعداد اعدام‌ها به چشم می‌خورد. اما در تابستان 1367، به دستور مستقیم آیت‌الله خمینی، مقامات قضایی ایران محاکمه‌های صوری مجددی برای عده‌ی زیادی از زندانیان سیاسی برپا کردند که پیش‌تر محاکمه شده و دوران حبس خود را می‌گذرانند، و سپس بسیاری از آنها را اعدام کردند. مقامات جمهوری اسلامی ایران هرگز به اعدام‌های آن سال اذعان نکرده‌اند و همواره و هر سال مانع کوشش‌های خانواده‌های قربانیان برای برگزاری سال‌گشت اعدام‌ها شده‌اند. در طی ماه‌های اخیر اقداماتی در جهت تخریب گورستان خاوران، محل دفن برخی از این اعدام‌شدگان، صورت گرفت که مورد اعتراض خانواده‌های آنها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر در داخل و خارج از ایران قرار گرفت. در عین حال منابعی از درون¹⁶ جمهوری اسلامی ایران ادعا کرده‌اند که اعدام‌ها به عنوان پیامد تهاجم **س.ب.م.خ.ا** با حمایت رژیم عراق در تابستان 1367 و در پی آتش بس بین عراق و ایران در جنگ 8 ساله‌ی دو کشور انجام شد. اما پرواند آبراهامیان، استاد تاریخ در کالج باروک در ایالات متحده آمریکا، معتقد است که روند و تدارک اعدام‌های دسته‌جمعی در تاریخ 28 تیر 1367، یعنی پنج روز پیش از شروع تهاجم **س.ب.م.خ.ا** شروع شد.¹⁷

آیت‌الله حسین‌علی منتظری، که در آن زمان جانشین آیت‌الله خمینی بود و اعتراض‌هایش به بهای از دست دادن مقام و خروج او از دایره‌ی خواص تمام شد، نامه‌ای دست‌نویست از آیت‌الله خمینی به مقامات قضایی را در خاطراتش منتشر کرده است. به حکم آیت‌الله خمینی در آن نامه، که اساساً اشاره‌ای به تهاجم **س.ب.م.خ.ا** ندارد، کلیه‌ی زندانیان پای‌بند به باورهای خود «محارب»¹⁸ هستند و باید به مرگ محکوم شوند.¹⁹ در نامه‌ی بعدی در پاسخ به رئیس قوه‌ی قضاییه که خواهان توضیح در باره‌ی زندانیان در حال گذران حکم حبس شده است، آیت‌الله خمینی حکم خود را دوباره تأیید کرده است.²⁰

¹⁵ گزارش‌های سالانه‌ی سازمان عفو بین‌الملل در 1982 و 1983

¹⁶ *پاسداشت حقیقت*، کتابی است که عباس سلیمی نمین و مسعود رضایی در پاسخ به خاطرات آیت‌الله منتظری نوشته‌اند. هر دو نویسنده به عنوان مسئولان سابق وزارت اطلاعات شهرت دارند. این کتاب را می‌توان از نشانی اینترنتی زیر (شماره 16 در فهرست) دریافت کرد: <http://forum.persiantools.com/t91833-page8.html>

¹⁷ Tortured Confessions: prison and public recantations in modern Iran, Chapter 5, Mass Executions of 1988, P 209, University of California Press, 1999

«اقرار زیر شکنجه: زندان و توبه‌های علنی در ایران مدرن»، فصل پنجم، *اعدام‌های دسته‌جمعی سال 1367*، ص 209، انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، 1378؛ برای قطعه‌ی مربوطه نگاه کنید به:

http://books.google.com/books?hl=en&id=mnrYNIvCqC&dq=Iranian+prisons+Tortured+Confessions&printsec=frontcover&source=web&ots=np_Yb-Y_vd&sig=kc8XQqgN6IqEhcVAbC0ndOrKdSI&sa=X&oi=book_result&resnum=2&ct=result#PPA209,M1

برای متن فارسی بخشی از کتاب مذکور نگاه کنید به: http://www.yadman.sedayemardom.net/articles_detail.php?aid=6

¹⁸ نگاه کنید به پانویشت 43 و *جرایم مسلحانه و سیاسی*

¹⁹ <http://www.amontazeri.com/farsi/khaterat/html/0560.htm>

²⁰ <http://www.amontazeri.com/farsi/khaterat/html/0561.htm>

به فرمان صریح آیت‌الله خمینی، در تهران کمیسیونی سه نفره شامل رئیس دادگاه‌های انقلاب (آیت‌الله نیری)، دادستان عمومی تهران (مرتضی اشراقی²¹) و نماینده وزارت اطلاعات (حجت‌الاسلام مصطفی پورمحمدی²²) تشکیل شد. کمیسیون‌های مشابهی نیز در مراکز استان‌ها برپا گردید.

این کمیسیون‌ها با وجود فقدان مجوز قانونی، در واقع به عنوان دادگاه عمل کردند. تمام گزارش‌ها هم‌رای هستند که «محاكمه»‌های صوری تنها چند دقیقه به طول انجامید و در آنها به هیچ‌وجه امکان تعیین وکیل یا طرح کردن لایحه‌ی دفاعی وجود نداشت. به غالب زندانیان حتا گفته نشد که دوباره محاکمه می‌شوند. آنها را به این باور هدایت کردند که پرسش‌ها به منظور جابه‌جایی به بندهای دیگر در داخل زندان‌ها است. از زندانیان عضو س.م.خ. در باره‌ی وابستگی سازمانی‌شان سوال می‌شد. در صورتی‌که آنها پاسخ می‌دادند سازمان «مجاهدین»، محاکمه بلافاصله به پایان می‌رسید و زندانی برای اعدام اعزام می‌شد. اما در صورتی‌که آنها جواب می‌دادند سازمان «منافقین»²³، سوالات بیشتری طرح می‌شد تا حقیقت انکار وفاداری آنها به سازمان‌شان روشن شود. بسیاری از زندانیان در این آزمایش مردود و سپس اعدام شدند. پرسش‌ها از زندانیان چپ‌گرا به باورهایشان مربوط می‌شد. از آنها در باره‌ی باورشان به وجود خدا سوال می‌شد. اگر پاسخ منفی بود آنها را به جرم ارتداد یا الحاد اعدام می‌کردند. این رویدادهای فاجعه‌آمیز، با استفاده از بیان پرفسور پرواند آبراهامیان، به انگیزاسیون در اسپانیا در قرون وسطی همانندی داشت.

برآورد تعداد اعدام‌ها پس از انقلاب اسلامی تاکنون

جدول زیر به‌طور عمده بر اساس گزارش‌های سالانه‌ی سازمان عفو بین‌الملل و با افزایش آمار موجود در منابع دیگر تهیه و تنظیم شده است. هم سازمان عفو بین‌الملل و هم دیگر سازمان‌های حقوق بشر، مانند دست‌ها از قابیل کوتاه، که از سال 2000 شروع به انتشار گزارش‌های سالانه کرده است، به دقت در تمام گزارش‌هایشان متذکر شده‌اند که آمار واقعی ممکن است بسیار بالاتر باشد. برخی از دلایل نادقیق بودن آمارها به شرح زیر است:

- 1 - مقامات ایرانی آمار رسمی اعدام‌ها را منتشر نمی‌کنند.
- 2 - تعداد بسیار زیادی از اعدام‌ها مخفیانه انجام شده است.
- 3 - در نبود آمار رسمی، سازمان‌های حقوق بشر برای ثبت تعداد اعدام‌ها ناگزیر به جستجو در روزنامه‌ها اکتفا کرده‌اند.
- 4 - اخبار تمام اعدام‌ها در روزنامه‌ها منتشر نمی‌شود و گاهی نیز به آنها دستور داده می‌شود که این اخبار را منتشر نکنند.
- 5 - گرد آوری اطلاعات در باره‌ی اعدام‌ها در مناطق دوردست و شهرستان‌ها بسیار دشوار است.

²¹ بسیاری از منابع ایرانی مرتضی اشراقی را با آیت‌الله شهاب‌الدین اشراقی، داماد آیت‌الله خمینی، که در تیر 1360 درگذشت، اشتباه گرفته‌اند.

²² تا اردیبهشت 1387 وزیر کشور در دولت احمدی‌نژاد

²³ منافقین (hypocrites) عنوانی است که جمهوری اسلامی ایران در اشاره به س.م.خ. به کار می‌برد.

6 - اطلاعات بسیار کمی در سالهای اولیه پس از انقلاب در دسترس بوده است.

حداقل تعداد اعدامها، مارس 2009 - 1979 (فروردین 1388 - 1357)

سال	سازمان عفو	دستها از	منابع
1979 ²⁴	437		
1979 ²⁵	800 - 1000		
1980	709		
1981	2616 ²⁶		
1982 ²⁷	624		
1983	399		
1984	661		
1985	470		
1986	115		
1987	158		
1988	4500 - 5000 ²⁸		
1989	بیش از 1500 نفر		
1990	757		
1991	775		29884
1992	330		
1993	93		
1994	139		
1995	47		
1996	110		
1997	143		
1998	«تعداد زیادی»		
1999	165		
2000	75	153	
2001	139	198	
2002	113	316	30450
2003	108	154	
2004	159	197	
2005	94	113	
2006	177	215	
2007	335	355	
2008	346	355	31317
2009 (21 مارس) ³²	120		

²⁴ از فوریه تا آگوست (بهن 1357 تا مرداد 1358)، عفو بین الملل، گزارش کشوری 1980
²⁵ از 22 بهمن 1357 تا 10 دی 1358. در مورد سالهای بعد، از شروع سال میلادی برابر با 11 دی هر سال خورشیدی تا پایان آن در 10 دی سال بعد.

²⁶ بنا به گزارش سال 1982، عفو بین الملل از اول انقلاب تا دسامبر 1981 (آذر 1360)، از 3800 مورد اعدام مطلع شده بود.

²⁷ در گزارش سالانه 1983 عفو بین الملل ذکر شده که از شروع انقلاب تا اواخر سال 1982 (آذر 1361)،

این سازمان از 4605 مورد اعدام مطلع شده است.

²⁸ گزارش سالانه 1989 عفو بین الملل تعداد اعدامهای 1988 را 1200 مورد ذکر کرد. سپس گزارش 1990 برآورد را برای 1988 به 2000 مورد اضافه کرد. اما اطلاعاتی عمومی سازمان عفو بین الملل در 2008 به مناسبت «بیستمین سالگشت کشتار در زندانها» به 4500 تا 5000 مورد اعدام در 1988 اشاره دارد.

²⁹ دیده بان حقوق بشر

³⁰ فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر به نقل از گروه های مخالف

³¹ ائتلاف جهانی بر ضد اعدام

³² اول فروردین 1388

تردیدی نیست که اکثریت اعدام‌شدگان به خاطر فعالیت‌های سیاسی به مرگ محکوم شدند.

چارچوب قانونی در داخل کشور: جرائم مستوجب اعدام

بنا به قانون مجازات اسلامی (ق. م. ا)³³ مصوب 1370، مجازات‌ها به پنج دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: حدود، قصاص³⁴، دیه، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده

- حد مجازاتی است که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است و قابل تخفیف یا بخشش نیست.
- قصاص مجازات تلافی به مثل، مشابه «چشم در برابر چشم»، است که برای کیفر جرائم متعددی اجرا می‌شود.
- دیه (پول خون) مالی است که در شرع اسلام تعیین شده و به قربانی یا بازماندگان او پرداخت می‌شود.
- تعزیر مجازات اختیاری است که در شرع تعیین نشده و قاضی از اختیار تعیین آن برخوردار است، از جمله حبس، شلاق، جریمه نقدی و غیره.
- مجازات‌های بازدارنده مجازات‌هایی هستند که حکومت تعیین می‌کند، از قبیل حبس، جریمه نقدی، تعطیل محل کسب، محرومیت از حقوق اجتماعی، تبعید و مجازات‌های دیگر.

مجازات اعدام بطور عمده در بخش حدود، در بخش قصاص در مورد قتل و یک بار نیز در بخش تعزیرات برای «سب نبی» تعیین شده است. نظام قانونی ایران بین مجازات‌هایی که صرفاً «حق الله» محسوب می‌شوند و مجازات‌هایی که «حق الناس» (حق مردم) تلقی می‌گردند تمیز قائل شده است. دسته‌ی اول از «جنبه‌ی عمومی» برخوردارند و گذشت شاکی تأثیری بر آنها ندارد، مانند حد زنا. نمونه‌ای از «حق الناس»، قصاص³⁵ یا مجازات تلافی به مثل است. طبق قانون، مقام رهبری³⁶

³³ تمامی ارجاع‌ها به قانون مجازات اسلامی و ترجمه‌ی مفاد آن در این گزارش از نسخه‌ی اصلی فارسی است که اصلاحات اردیبهشت 1377 و دی 1380 را در برمی‌گیرد (نشر دیدار، تهران، 1381). برای ترجمه‌ی انگلیسی مواد 497 - 1، نگاه کنید به http://www.iran-law.com/IMG/pdf/Iran_Criminal_Code_in_English.pdf. هم-چنین برای ترجمه‌ی دیگری از بخش‌هایی از این قانون، نگاه کنید به: <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/english/pdfs/Codes/ThePenalCode.pdf>. متأسفانه هیچ یک از این دو ترجمه عاری از اشتباهات تایپی و اشتباهات دیگر نیستند.

³⁴ قصاص مجازات به مثل است که در مورد تعدادی از جرائم مختلف اجرا می‌شود. مواد 204 تا 268 قانون مجازات اسلامی به قصاص نفس اختصاص دارند.

³⁵ در مورد قتل، قصاص نفس، یا تلافی به مثل برای جان. حکم قصاص در موارد متعددی صادر می‌شود و شرح آن به تفصیل در قانون مجازات اسلامی آمده است. در آبان 1387، دادگاهی به درخواست یک قربانی، حکم به کور کردن مردی با اسید داد، چون او زنی را که حاضر به ازدواج با او نبود، با پاشیدن اسید کور کرده بود. نگاه کنید به: http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2008/11/081127_si-acidattack-blind.shtml. پیش از آن در پرونده‌ی دیگری در بهمن 1386، پزشکان قانونی از اجرای حکم «قصاص چشم» در مورد یک مرد خودداری کرده بودند (http://www.roozonline.com/archives/2008/02/post_6244.php).

می‌تواند در مواردی که جرم ناقض «حق الله» باشد ولی مستوجب حد نباشد، مجرم را عفو کند، اما نمی‌تواند در صورت زی‌پرا گذاشته شدن «حق الناس» مجرم را عفو کند.

تعداد زیادی از جرائم مختلف در ایران در حال حاضر مستوجب اعدام هستند. علاوه بر آن، لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی که محدوده‌ی مجازات مرگ را گسترش می‌دهد، و اعمالی را که اکنون جرم به شمار نمی‌آیند جرم تلقی می‌کند، باعث نگرانی جدی است. این موارد در زیر شرح داده می‌شوند.

³⁶ طبق قانون اساسی، مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران ولی فقیه است که باید مجتهد باشد. جمهوری اسلامی ایران تاکنون دو رهبر داشته است: بنیانگذار آن آیت‌الله خمینی و رهبر کنونی آیت‌الله خامنه‌ای

جرایم جنسی

زنا: ماده‌ی 63 قانون مجازات اسلامی زنا را به عنوان نزدیکی جنسی بین زن و مردی که زن و شوهر نیستند، تعریف می‌کند، یعنی «جماع مرد با زنی که ذاتا بر او حرام است، گرچه در دبر باشد...» مجازات زنا 100 ضربه شلاق است. اما اگر «زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هربار حد بر او جاری شود در مرتبه‌ی چهارم کشته می‌شود»³⁷ (ماده‌ی 90). اما ماده‌ی 82 ق. م. ا تصریح می‌کند که مجازات اعدام برای زناکاران در موارد زیر بدون استثنا اجرا خواهد شد: زنا با محارم نسبی، زنا با زن پدر که موجب قتل زانی (مرد) است، زنا با زن غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی (مرد) است، زنا با زن مسلمان که موجب قتل زانی اکره کننده است.

زنا محصنه عبارت است از نزدیکی جنسی بین مرد متاهل با زن مجرد یا متاهل و زن متاهل با مرد مجرد یا متاهل. مجازات تصریح شده در ق. م. ا سنگسار فرد متاهل است. شخص مجرد در چنین رابطه‌ای معمولا به 100 ضربه شلاق محکوم می‌شود. در عمل شرایط تعیین شده برای سنگسار کاملا مشروح است. ماده‌ی 102 متذکر می‌شود: «مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آن‌گاه رجم می‌نمایند.» هر دو دست محکوم نیز در زیر خاک قرار می‌گیرد. ماده‌ی 104 نیز اندازه سنگ‌ها را تعیین می‌کند: «بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد شخص کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند.»



©خبرگزاری فارس

نزدیکی بن هم‌جنسان: «لواط» وطی انسان مذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفخیز»³⁸ (ماده 108 ق. م. ا). «فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد» (ماده‌ی 109). «لواط در صورتی موجب قتل می‌شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند» (مواد 109 و 111)، اما «مفعول» نابالغ اگر مجبور نشده نباشد، با 74 ضربه شلاق تعزیر می‌شود. مجازات نزدیکی جنسی بدون دخول [تفخیز]³⁹ صد ضربه شلاق است. مجازات تفخیز نیز اگر

³⁷ واژگان به کار رفته در ماده‌ی 90 «کشته می‌شود» و در مواد بعدی «قتل» است و نه واژه‌ی اعدام
³⁸ این تعریف متضاد برای لواط در قانون مجازات اسلامی ارائه شده است. اما، لایحه‌ای به منظور اصلاح قانون مجازات اسلامی (نگاه کنید به **لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی**) لواط را صرفا به عنوان رابطه‌ی جنسی بین مردان شامل «دخول آلت رجولیت به اندازه ختنه گاه» تعریف و آن را از تفخیز متمایز کرده است (نگاه کنید به پانوش بعدی)
³⁹ لایحه‌ی اصلاح ق. م. ا، تفخیز را به معنای «مالیدن آلت رجولیت بین رانهای یا الیتین انسان مذکر هر چند مرده باشد» تعریف کرده و «دخول کمتر از ختنه گاه» را نیز در حکم تفخیز دانسته است.

تکرار شود و هر بار حد جاری شود، در بار چهارم «قتل» است. به علاوه، در صورتی که تفخیز بین «فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است» (تبصره‌ی ماده 121).

مجازات «مساحقه، همجنس‌بازی زنان با اندام تناسلی» نیز هر بار 100 ضربه شلاق است، ولی در صورت تکرار و جاری شدن حد در هر بار، در بار چهارم «حد آن قتل است» (ماده 131).

دادن نسبت زنا و لواط⁴⁰ : کسی که به دیگران نسبت زنا یا لواط بدهد و هر بار حد 74 ضربه شلاق بر او جاری شود، در بار چهارم «کشته می‌شود» (ماده‌ی 157).⁴¹

«آثار سمعی و بصری مستهجن»

قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، مصوب دی ماه 1386 تصریح می‌کند که چنانچه «تولیدکنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه، تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوء استفاده‌ی جنسی از دیگران و عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن» مصداق «مفسد فی‌الارض»⁴² شناخته شوند به مجازات آن محکوم می‌گردند» (ماده‌ی 3). طبق ماده‌ی 4 همان قانون، هر شخصی که با «سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنا به عنف محکوم می‌شود». بنابراین، تمام این جرائم مستوجب مجازات اعدام هستند.

نوشیدن مشروب الکلی

ماده‌ی 179 ق. م. ا مجازات مرگ را برای نوشیدن مشروب الکلی در بار سوم پیش‌بینی کرده است، مشروط بر این که حد 80 ضربه شلاق پیش از آن دو بار بر محکوم جاری شده باشد.

دزدی

دزدی در بار چهارم حتا در صورتی که در زندان رخ دهد، مستوجب مجازات اعدام است، مشروط بر این که حد سرقت در سه بار اول بر محکوم جاری شده باشد. طبق قانون، مجازات سرقت در بار اول قطع چهار انگشت دست راست و در بار دوم قطع پای چپ است. مجازات سرقت در بار سوم حبس ابد است (ماده 201).

⁴⁰ قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به دیگری (ماده‌ی 139)

⁴¹ این مجازات بر اساس آیه‌ی 4 در سوره‌ی نور در قرآن تعیین شده است. گرچه هیچ ذکر از اعدام یا مجازات مرگ در این آیه نیست، به نظر می‌رسد که فقهای برجسته‌ی شیعی گذشته و حاضر بر سر این موضوع اجماع نظر دارند.

⁴² نگاه کنید به پانوشت بعدی

جرائم مسلحانه و سياسي

در باب هفتم از کتاب حدود در ق. م. ا دو موضوع کليدي طرح شده است که بارها در ديگر قوانين ديده مي‌شوند. اين دو موضوع، يعني محاربه و افساد في الارض⁴³، مي‌توانند به صدور حکم اعدام براي محکوم منجر شوند. ماده 183 ق. م. ا تعريف زير را به دست مي‌دهد: «هر کس که براي ايجاد رعب و هراس و سلب آزادي و امنيت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد في الارض است.» قاضي مي‌تواند به اختيار خود در مورد محارب يا مفسد في الارض مجازات اعدام يا هريك از سه حکم ديگر را صادر کند (ماده 190)⁴⁴.

کساني که با استفاده از سلاح مرتکب جرائمی از قبيل سرقت مسلحانه يا راهزني شوند، هر گاه با اسلحه امنيت مردم يا جاده را به هم بزنند و رعب و وحشت ايجاد کنند، محارب محسوب مي‌شوند (ماده 185).

مفاد اين بخش از ق. م. ا بعضي از فعاليت‌هاي ضد حکومتي را نيز در بر مي‌گيرد. مواد 186 - 188 در حقيقت به جرائم سياسي اشاره دارند ولي از ذکر اين واژه به دقت طفره رفته‌اند. طبق مواد مذکور، تمام اعضا و هواداران گروه‌ها يا سازمان‌هايي که «در برابر حکومت اسلامي قيام مسلحانه» کنند محارب و مفسد في الارض به شمار مي‌روند و ممکن است به اعدام محکوم شوند، حتا اگر شخصا در عمليات نظامي شرکت نکرده باشند. مفاد قانون محدود به فعاليت‌هاي مسلحانه نيست. «هر فرد يا گروهی که طرح براندازي حکومت اسلامي را بريزد و براي اين منظور اسلحه و مواد منفجره تهيه کند و نيزکساني که با آگاهي و اختيار امکانات مالي موثر ... در اختيار آنها قرار دهند، محارب و مفسد في الارض» هستند (ماده 187) و ممکن است به مجازات مرگ محکوم شوند.

⁴³ هر دو واژه عربي هستند. محاربه عمل یک محارب (جنگجو) است؛ افساد في الارض، به معنای فساد بر روی زمین، عمل یک مفسد في الارض است. معنای تلويحي محارب، محارب با خدا يا کسی است که با خدا مي‌جنگد. تعداد بسيار زيادي از اعضاي گروه‌هاي مخالف در سال‌هاي مختلف، به ویژه در 1360 و 1367، به اتهام 'محاربه با خدا' اعدام شدند.

آيت‌الله خلخالي مفسد في الارض را به اين صورت تعريف کرده است: «کسي که به گسترش فساد در روی زمین بکوشد و به توسعه‌ي آن کمک کند. فساد هم يعني چيزی که موجب انحطاط و نابودي و انحراف جامعه از اصل طبيعي آن باشد» (خاطرات، نشر سايه، 1379). آيت‌الله خلخالي حاکم شرع منصوب آيت‌الله خميني بود که صدها نفر را در محاکمه‌هاي فوري دسته‌جمعي در سال‌هاي 1358-1357 و اوایل دهه‌ي 1360 به اعدام محکوم کرد. در مورد او همچنين نگاه کنید به **گردها**.

⁴⁴ سه مجازات ديگر عبارتند از: «اويختن به دار»، «اول قطع دست راست و سپس پای چپ» و «نفي بلد». ماده‌ي 195 تصريح مي‌کند: در «مصلوب کردن... نحوه بستن موجب مرگ [مفسد و محارب] نگردد» و «بيش از سه روز بر صليب نماند.» واژه‌ي مصلوب کردن در واقع اشاره به مجازات «اويختن به دار» در ماده‌ي 190 است. از طرف ديگر، بنا به فتوای آيت‌الله خامنه‌اي، مقام رهبري، در سال 1372 که مکرر مورد استناد قرار مي‌گيرد، قضات مي‌توانند افراد محارب را به گذراندن مجازات «نفي بلد» يا تبعيد در زندان محکوم کنند. بايد توجه داشت که اين احکام را دادگاه‌هاي انقلاب اسلامي صادر مي‌کنند، اما بسياری از قضات پارسايي دادگاه‌هاي عمومي اين احکام را غيرقانوني مي‌دانند، زيرا فتوای مذکور در قانون گنجانده نشده است. اين مشکلي است که مرتباً پيش مي‌آيد و در موارد ديگر نيز قابل مشاهده است. به عنوان مثال، مي‌توان بي-توجهي بعضي قضات به دستور رئيس قوه‌ي قضاييه براي توقف احکام سنگسار يا اعدام در انظار عمومي را ذکر کرد.

سوء قصد به مقامات ایرانی و خارجی: سوء قصد به رهبر، روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید⁴⁵ ممکن است به صدور حکم اعدام منجر شود. این موضوع را می‌توان بطور معکوس از نحوه‌ی نگارش ماده‌ی 515 نتیجه‌گیری کرد که تصریح می‌کند: اگر سوء قصد کننده «مخرب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.»

همان حکم مذکور در ماده‌ی 515 را می‌توان برای سوء قصد کنندگان علیه روسای کشورهای خارجی یا سفرای خارجی صادر کرد، مشروط بر این که در کشور مورد نظر نسبت به ایران معامله‌ی متقابل بشود (ماده‌ی 516).

نیروهای مسلح: «هرکس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک موثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد مخرب محسوب می‌شود» (ماده‌ی 504). این تنها موردی است که ق. م. ا به جرائم مربوط به نیروهای مسلح اشاره کرده است، اما قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جرائم متعددی را ذکر می‌کند که می‌تواند مستوجب مجازات اعدام باشد.

این قانون که در آذر 1382 به تصویب رسید، تصریح می‌کند که پرسنل نظامی و هر فرد غیر نظامی که به خاطر جرائم مرتبط با پرسنل نظامی محکوم شوند، در موارد متعددی از جمله جاسوسی مخرب محسوب خواهند شد. چند نمونه در این زمینه عبارتند از: طراحی برنامه براندازی حکومت یا شرکت موثر در جمعیت‌هایی به این منظور، اقداماتی که به تمامیت ارضی کشور لطمه وارد کنند، تسلیم افراد یا پایگاه‌های تحت فرماندهی خود به دشمن یا افشای اسناد نزد دشمن، تبانی با دشمن، کمک به دولت در حال جنگ با ایران یا گروه‌های مخرب و مفسد، اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی، قرار دادن اسناد و اطلاعات مضر برای امنیت تأسیسات دفاعی کشور در اختیار دشمن، تسلیم اسرار نیروهای مسلح به دشمن، سرپیچی از دستورهای که موجب تسلط دشمن بر اراضی یا پرسنل نظامی خودی بشود، خودداری از استفاده از سلاح یا سایر امکانات نظامی برای مبارزه که موجب شکست «جبهه‌ی اسلام» شود، خوابیدن به‌طور ارادی در حین نگهبانی در مقابل دشمن و مخاریبان در صورتی که عمل وی موجب اختلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست «جبهه‌ی اسلام» گردد (مواد 17، 19، 20 - 24، 29 - 35، 37، 39، 42 - 44، 45، 51، 65، 71 - 74، 78، 87، 92 - 94، 115).

جرائم مرتبط با مذهب

ارتداد: ماده‌ی 26 قانون مطبوعات مصوب 1364 تصریح کرده است: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا خواهد شد. اما ق. م. ا ارتداد را تعریف نکرده و مجازاتی هم برای آن پیش‌بینی نکرده است. با وجود این،

⁴⁵ یک مرجع تقلید، آیت‌الله عظیمی است که کتاب‌های مذهبی و نیز رساله‌ای جامع (رساله‌ی عملیه) نوشته است و مسلمانان شیعه برای تقلید از او در مسایل مذهبی، شخصی و رفتار اجتماعی به آن رجوع می‌کنند.

ماده‌ی 214 قانون آئین دادرسی کیفری، که مفاد اصل 167 قانون اساسی را تقریباً واژه به واژه تکرار کرده است، دست قاضیان را بازمی‌گذارد.⁴⁶ لذا، قضات بر اساس نظریات آیت‌الله خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با استناد به ماده‌ی 214 مذکور در بسیاری از پرونده‌های ارتداد حکم اعدام صادر کرده‌اند.⁴⁷ آیت‌الله خمینی در کتاب خود اظهار داشته است که تنها «سه طایفه» مورد پذیرش هستند که باید در صورت تمایل به زندگی در حاکمیت اسلام باید مالیاتی خاص به عنوان جزیه پردازند. این «سه طایفه» عبارتند از: یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان. او تصریح می‌کند: «بنابراین، از غیر سه طایفه، چیزی قبول نمی‌شود مگر اسلام یا قتل.»⁴⁸

⁴⁶ اصل 167 قانون اساسی تصریح می‌کند: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید...»
⁴⁷ کتاب آیت‌الله خمینی، تحریر الوسیله (نگاه کنید به <http://www.melliblog.blogfa.com/post-301.aspx>) پس از انقلاب اسلامی 1357، اساس قوانین مجازات و نیز لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی (در مورد جزئیات نگاه کنید به **لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی**) را تشکیل داده است. تارنمای مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم (www.hawzah.net)، که پایتخت مذهبی ایران لقب دارد، تصریح می‌کند که مجازات ارتداد مرگ است و حکم اعدامی را که آیت‌الله خمینی در سال 1367 علیه سلمان رشیدی صادر کرد، از این نگاه توضیح می‌دهد (<http://www.hawzah.net/Hawzah/Vjeh/vjeh.aspx?id=52197>)
⁴⁸ تحریر الوسیله، جلد چهارم، متن دو زبانه، ص 249 (<http://www.melliblog.blogfa.com/post-301.aspx>)



© خبرگزاری ایسنا
مردی به اتهام قتل قاضی دادگاه انقلاب اسلامی در خیابان از جرثقیل به دار آویخته شده است

سب النبي: این بخش نزدیک-ترین مورد به ارتداد در ق. م. است. اما بیان قانون نسبتاً مبهم است و راه را بر تفسیر گسترده‌ی آن باز می‌گذارد: «هرکس به مقدسات اسلام و یا هر يك از انبياء عظام یا ائمه‌ی طاهرین (ع) یا حضرت صدیقه-ی طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سب النبي باشد اعدام می‌شود...» (ماده 513).

قتل

مجازات قتل در ق. م. ا در بخشی با عنوان قصاص تعیین شده است. نظام حقوقی ایران قتل را موضوعی بین طرف‌های خصوصی تلقی می‌کند و به همین دلیل مجازات آن را «اعدام» نمی‌نامد. بر این اساس، بازماندگان قربانی یا «اولیاء دم» هستند که تلافی به مثل را در مورد مجرم اجرا می‌کنند و نه دولت. اما در عمل، در پرونده‌های قصاص مقامات قضایی هستند که در صورت

درخواست خانواده‌ی قربانی قاتل را اعدام می‌کنند. به عنوان راهی جایگزین، بازماندگان مقتول می‌توانند در مقابل دریافت مبلغی (دیه) درخواست قصاص نفس (اعدام) را پس بگیرند و قاتل را آزاد کنند.

مفاد قانونی مربوط به قتل در چندین مورد به شرح زیر تبیین‌آمیز است.

مصونیت برخی از قاتلان: با وجود این که این موضوع به صراحت ذکر نشده است، ق. م. ا با تمام قاتل‌ها به صورت برابر برخورد نمی‌کند. قتل نفس فقط در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد (ماده‌ی 226، تأکید از ماست). این موضوع در ماده‌ی 295 (تبصره 2) نیز مورد تأیید قرار گرفته است، که در مورد اشخاصی که «کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن»⁴⁹ او می‌کشند، قصاص نفس را منتفی می‌کند. مصونیت قانونی در انجام قتل متعصبان مذهبی را آزاد گذاشته تا اجرای قانون را در دست خود بگیرند. در

⁴⁹ کسی که خونش را می‌توان به هدر داد.

اسفند 1381، شش عضو نیروی بسیج⁵⁰ در شهر کرمان، در جنوب شرقی کشور، به خاطر قتل دو زن و سه مرد دستگیر شدند. گزارش‌ها حاکی بود که در فاصله‌ی یک سال پیش از آن، 18 نفر به روش‌های مشابهی کشته شده‌اند. پس از محاکمه‌های طولانی، در اوایل سال 1387، شعبه‌ی 31 دیوان‌عالی کشور احکام قصاص شش متهم را نقض و اعلام کرد با توجه به «اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتولان» و اینکه «متهمان بعضاً از خانواده‌های شهید داده یا ایثارگر هستند و خود آنان در دادگاه بر این اعتقاد اصرار ورزیده و مستندات و مستمسک‌هایی برای آن (مهدورالدم بودن مقتولان) ذکر کرده‌اند، نمی‌تواند حکم صادره را تأیید کند.»⁵¹

از طرفی در قتل در موارد دفاع مشروع می‌توان به مصونیت قانونی متوسل شد (ماده‌ی 629)، در حالی‌که مقتولان کرمانی به این دلیل به قتل رسیده بودند که گویا مرتکب منکر شده بودند. معنای ضمنی این بخش از قانون این است که با استفاده از این مصونیت هر کس را که «مستحق» کشتن باشد می‌توان به قتل رساند. به عنوان مثال، ق. م. ا به صراحت برای قتل زناکاران مصونیت قائل است: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند...» (ماده‌ی 630)

تعصّب بن مسلمانان و غیرمسلمانان: قانون در صورت کشته شدن یک غیرمسلمان قصاص را تجویز نمی‌کند. قصاص نفس فقط در صورتی جاری است که مقتول مسلمان باشد یا قاتل و مقتول هر دو غیر مسلمان باشند. «هرگاه مسلمان‌ی کشته شود قاتل قصاص می‌شود...» (ماده‌ی 207، تأکید از ماست). از طرف دیگر: «هرگاه کافر ذمی⁵² عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص میشود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند...» (ماده‌ی 210).

تعصّب به نفع پدر و جد پدری: در بهمن 1386، مردی در زاهدان با سنگسار کردن دخترش، سعیده، به خاطر داشتن رابطه با یک پسر، اجرای قانون را خود به دست گرفت (روزنامه‌ی قدس، 24 بهمن 1386)⁵³. این مرد گفت که پس از سنگسار کردن دخترش چهار گلوله به او شلیک کرده است. از نحوه‌ی برخورد قوه-ی قضاییه به این پرونده گزارشی در دست نیست. اما طبق مفاد پدرسالارانه‌ی ق. م. ا، «پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه‌ی قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد» (ماده‌ی 220). بازماندگان مقتول، یعنی مادر، در حالتی که پدر قاتل باشد (یا والدین، در حالتی که پدر بزرگ قاتل باشد) عموماً از درخواست مجازات نیز صرف‌نظر می‌کنند.

جرایم اقتصادی

برخی از جرایم اقتصادی مستوجب اعدام هستند. به تصریح قانون مجازات اخلاقی-گران در نظام اقتصادی کشور مصوب 1369، در بعضی جرایم در صورتی که به قصد «ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به

⁵⁰ بسیج، سازمان شبه نظامی تحت فرمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

⁵¹ http://www.roozonline.com/archives/2008/05/post_7233.php

⁵² پیروان مسیحیت، دین یهودی و دین زرتشتی (تحریر الوسیله، جلد چهارم، متن دو زبانه، ص 249)

⁵³ روزنامه‌ی اعتماد به تاریخ 28 بهمن 1386 نام این دختر را سمیه گزارش کرد.

مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد في الارض باشد⁵⁴ مرتکب به اعدام... محکوم مي‌شود» (ماده ي 2). اين جرائم بدون قيد محدوديت شامل موارد زير هستند: اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طريق قاچاق عمده، اخلال در امر توزيع مايحتاج عمومي از طريق گرانفروشي کلان یا احتکار، و اخلال در نظام توليدي (ماده ي 1).

جرائم مربوط به مواد مخدر

«قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادي به آن» مصوب آبان 1376 در چندین مورد مجازات را اعدام تعیین کرده است. این موارد از این جمله هستند: کشت خشخاش یا کوکا و یا کشت شاهدانه برای تولید مواد مخدر در بار چهارم محکومیت؛ وارد کردن بیش از 5 کیلوگرم تریاک، بنگ، گراس و غیره، خرید، نگهداری، اختفا یا حمل بیش از 5 کیلوگرم تریاک و دیگر مواد مخدر مذکور در بار سوم محکومیت؛ وارد کردن به کشور، ساخت، تولید، توزیع و صدور بیش از 30 گرم هروئین، مرفین، کوکائین یا مشتقات آنها.

سایر جرائم مستوجب اعدام

طبق اصلاحیه‌ای بر قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب 1346، در صورت فوت ناشی از مصرف این مواد، مجازات سازنده، تهیه‌کننده یا مخلوط‌کننده اعدام است (ماده ي 3 اصلاحی 18 اسفند 1353). در برخی از قوانین خاص نظیر قانون راجع به مجازات اخلال‌گران در صنایع نفت، قانون مجازات اخلال‌گران در تاسیسات آب و برق و مخابرات، قانون مجازات اخلال‌گران در امنیت پرواز، قانون کیفر بزه‌های مربوط به راه‌آهن، قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه نیز مجازات اعدام پیش‌بینی شده است.

لایحه ي اصلاح قانون مجازات اسلامي

قانون مجازات اسلامي جاري از سال 1370 تاکنون بر «مبنای آزمایشی»⁵⁵ اجرا شده است. در آبان 1386، قوه ي قضاييه لایحه‌ای را به منظور تصویب یک قانون

⁵⁴ نگاه کنید به پانوش 43

⁵⁵ قانون مجازات اسلامي جاري را در سال 1370 کمیسیون امور قضايي و حقوقي مجلس بر اساس اصل 85 قانون اساسي تصویب کرد. طبق این اصل، مجلس مي‌تواند وظیفه ي قانون‌گذاری را به یکی از کمیسیون‌های خود تفویض کند. در این صورت، قانون مذکور برای مدت معینی بر مبنای آزمایشی به اجرا گذاشته خواهد شد. ق. م. ا در سال 1370 به مدت پنج سال به اجرا گذاشته شد و سپس در سال 1375 مدت آزمایشی آن به مدت 10 سال تمدید شد. از سال 1385 به بعد نیز سه بار و هر بار به مدت يك سال تمدید شده است.

دائمی به مجلس ارائه کرد. لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی⁵⁶، که مجلس در شهریور 1387 کلیات آنرا در شور اول به تصویب رسانید، در واقع از بسیاری جهات قانون مجازات اسلامی را تغییر خواهد داد و بر اجرای مجازات اعدام تأثیر خواهد گذاشت. در صورت تصویب در شور نهایی، این قانون برای نافذ شدن باید به تأیید شورای نگهبان⁵⁷ نیز برسد. اما احتمال کمی وجود دارد که این شورای محافظه‌کار آن را به خاطر ناسازگاری مفادش با موازین بین‌المللی حقوق بشر رد کند.

حذف مجازات اعدام یا کاهش حوزه‌ی آن در لایحه

لایحه مذکور در بعضی موارد مجازات اعدام را حذف کرده و در موارد دیگری حوزه‌ی آن را کاهش داده است. این موارد به شرح زیر هستند:

1 - **روابط جنسی سن مردان:** در صورتی که رابطه شامل دخول باشد، شخص فاعل کشته نخواهد شد مگر این که به عنف با طرف دیگر لواط کرده باشد یا متاهل باشد. مفعول به اعدام محکوم خواهد شد. در صورتی که دخول رخ ندهد، هر یک از طرفین به صد ضربه شلاق محکوم خواهد شد. اما فاعل در صورتی که **غیرمسلمان** باشد، اعدام خواهد شد.

2 - **مساحقه:** تنها مجازات ذکر شده 100 ضربه شلاق است.

3 - **قذف:** تنها مجازات ذکر شده 100 ضربه شلاق است.

4 - **سب النبی:** محدوده‌ی این جرم به دشنام و قذف پیامبر اسلام، دختر او و 12 امام معصوم کاهش یافته است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اهانت به مقدسات اسلام یا پیامبران دیگر مستوجب اعدام نخواهد بود.

5 - **نوشیدن مشروب الکلی:** تنها مجازات ذکر شده 80 ضربه شلاق است.

افزایش محدوده‌ی مجازات اعدام در لایحه

در لایحه اصلاح، حوزه‌ی «فساد فی الارض» و «محرابه» گسترش یافته است. تمام اشخاصی که «بطور گسترده» مرتکب جرائم مبهم زیر شوند، مفسد فی الارض محسوب و به مجازات محاربه محکوم خواهند شد: جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، آتش سوزی، تخریب و ترور، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک، و دایر کردن مراکز فساد و فحشا (ماده‌ی 10 - 228).

لیکن، لایحه‌ی مذکور در مورد مجازات اشخاص مفسد فی الارض و محارب دچار تناقض است. از طرفی، «1- هرگاه محارب کسی را **کشته** باشد مجازات او قتل است» (ماده‌ی 5 - 228). از طرف دیگر، حتا اگر قطعی نباشد که وی کسی را کشته است، یعنی «هر گروهی که بر مبنای نظریه‌ی سیاسی در برابر نظام

⁵⁶ برای متن کامل آن به فارسی نگاه کنید به:

http://www.dadkhahi.net/law/Ghavanin/Ghavanin_Jazaeelavehe_gh_mojazat_eslami.htm

⁵⁷ این شورا 12 عضو دارد. شش تن از اعضا فقیه هستند که مقام رهبری منصوب می‌کند و شش تن دیگر حقوق‌دان هستند که مجلس از میان حقوق‌دانان پیشنهادی رئیس قوه‌ی قضاییه انتخاب می‌کند. تنها شش نفر اول از اختیار نظردهی در باره‌ی مغایرت قوانین با شرع و تأیید یا بازگرداندن آنها به مجلس برخوردار هستند. مجموعه‌ی شورا مغایرت قوانین را با قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی می‌باشد و [اعضای آن] در صورتی که دست به اسلحه یا مواد منفجره برده محارب محسوب شده و به مجازات اعدام محکوم می‌گردند» (ماده‌ی 11 - 228، تاکید از ماست). بنابراین صرف مسلح بودن مستوجب اعدام است نه ارتکاب قتل.



© خبرگزاری ایسنا



© خبرگزاری فارس

لایحه جدید در موارد زیر نیز مجازات اعدام را تجویز می‌کند که این موارد در قانون جاری وجود ندارند:

ارتداد، بدعت‌گذاری و سحر⁵⁸: مواد 1 - 225 تا 14 - 225 لایحه این موضوعها را مد نظر قرار می‌دهند. مرتد مسلمانی است که از دین اسلام خارج شود و کفر را اختیار کند. مرتد بر دو نوع است. مرتد فطری آن است که حداقل یکی از والدین او مسلمان بوده باشند. مرتد ملی آن است که والدین او غیر مسلمان بوده باشند و بعد از بلوغش به اسلام گرویده باشد و سپس از اسلام خارج شود. مجازات هر دو اعدام است، با این تفاوت که به مرتد ملی سه روز فرصت توبه داده می‌شود که در صورت توبه از اعدام نجات می‌یابد. مواد مربوط به ارتداد برای زنان مرتد تبعیض «مثبت» قائل شده و در هر دو مورد مجازات آنها را حبس ابد تعیین کرده‌اند.

⁵⁸ برای ترجمه‌ی انگلیسی این بخش از لایحه نگاه کنید به: http://rezaei.typepad.com/hassan_rezaei/2008/02/index.html

جرم ارتداد اولین بار است که به این ترتیب در قانون مجازات وارد شده است. در قوانین جاری اشاره‌ای به ارتداد وجود ندارد. اما فقدان این جرم مانع از اعدام عده‌ی زیادی از اعضای گروه‌های مخالف به اتهام ارتداد یا الحاد در سال‌های 1360 و 1367 نشد. در سال‌های اخیر کمتر خبری از صدور حکم ارتداد منتشر شده است. اما بنا به گزارش منتشره در اول دی 1387 شخصی به نام علیرضا پیغان که به جرم «ارتداد» محکوم به اعدام شده بود در روز 28 آذر 1387 در شهر قم به دار آویخته شد. او که بنا به گزارش‌ها پیش‌تر مدعی شده بود امام دوازدهم است و کتابی هم در باره‌ی این موضوع نوشته بود، در تاریخ آبان 1385 دستگیر و به حکم «بعضی از مراجع عظام تقلید» مرتد و «مفسد فی‌الارض» شناخته شده بود. روزنامه دولتی ایران در گزارش خود در باره‌ی علیرضا پیغان اشاره‌ای به ادعای او نکرد و فقط گفت که او «در حال ترویج خرافه‌پرستی بود.» در سال 1386 نیز شخص دیگری به نام «درویش» که ادعا می‌کرد امام زمان است، در شهر قم اعدام شده بود. کتاب آیت‌الله خمینی، تحریر الوسیله، معمولاً بیش از هر منبع دیگری در پرونده‌های ارتداد مورد استناد قرار می‌گیرد. تعریف مرتد و نیز مجازات‌های مقرر در لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات و بسیاری از مجازات‌های دیگر از کتاب مذکور استخراج شده‌اند.⁵⁹

بدعت‌گذاری: «هر کس ادعای نبوت کند محکوم به قتل است و هر مسلمانی که بدعتی را در دین اختراع کرده و فرقه‌ای را براساس آن ایجاد کند که برخلاف ضروریات دین مبین اسلام باشد در حکم مرتد است» و بنابراین مستوجب اعدام است. با توجه به این که قانون اساسی ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی را به رسمیت شناخته است، به نظر می‌رسد این ماده متوجه اقلیت‌بهایی است که از انقلاب 1357 تاکنون مدام تحت آزار و اذیت قرار داشته‌اند (نگاه کنید به **اقلیت‌های مذهبی**).

سحر نیز مستوجب اعدام است. لایحه نه سحر را ممنوع کرده و نه غیرمسلمانان را از این لحاظ قابل مجازات می‌داند. «مسلمانی که با سحر و جادو سرو کار داشته و آن را در جامعه به عنوان حرفه یا فرقه‌ای ترویج نماید محکوم به قتل است.»

دیگر لایحه‌های در دست بررسی

لایحه‌ی کوتاه دیگری هم در دست بررسی است که از آن به عنوان «طرح تشدید مجازات اخلال در امنیت روانی جامعه» یاد می‌شود. این لایحه در واقع هم با قانون مجازات اسلامی و هم با لایحه‌ی اصلاح آن قانون که در بالا ذکر شد، تداخل دارد. احتمال دارد که قانون‌گذاران مفاد «طرح تشدید مجازات اخلال در امنیت روانی جامعه» را بعداً در لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی بگنجانند. کلیات این طرح جدید در تیر 1387 در شور اول به تصویب رسید ولی هنوز به تصویب نهایی نرسیده است. ماده‌ی 2 طرح جرائم موضوع این طرح را به این شرح ذکر می‌کند: «راهزنی

⁵⁹ تحریر الوسیله، آیت‌الله خمینی، متن اصلی عربی، ص 494. ترجمه‌ی فارسی بخش مربوطه در ص 243 جلد چهارم متن دوزبانه است (<http://www.melliblog.blogfa.com/post-301.aspx>). به عنوان نمونه‌ای از احکام دادگاه که بر اساس فتوای آیت‌الله خمینی در باره‌ی ارتداد صادر شده، نگاه کنید به حکم صادره در ساری، مازندران، در: <http://www.hoghooghddanan.com/lawblog/article12.html>

و سرقت مسلحانه؛ تجاوز به عنف؛ تشکیل باندهای فساد و فحشاء؛ تاسیس و دایر کردن وبلاگ و سایت مروج فساد و فحشاء و الحاد⁶⁰؛ قاچاق انسان به منظور استفاده جنسی؛ شرارت؛ آدمربایی به قصد تجاوز و یا اخاذی». ماده‌ی 3 نیز مجازات مرتکبین جرایم ماده‌ی 2 را «اگر مستوجب حد دیگری نباشد، مجازات محارب و مفسد فی الارض» تعیین کرده است.

به کار گیری بیان مبهم یک بار دیگر جای تفسیر را برای اقداماتی که «شرارت» یا «فساد» محسوب می‌شوند، باز می‌گذارد. به علاوه، این طرح جدید، در صورتی که تصویب شود، می‌تواند به عنوان ابزاری علیه آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت به کار گرفته شود.

لایحه‌ی دیگری که در مجلس در دست بررسی است، به قاچاق سلاح و مهمات اختصاص دارد. بنا به این لایحه که کلیات آن در تاریخ 26 آذر 1387 در شور اول تصویب شد، مجازات اعدام ممکن است برای جرائم زیر صادر شود: نگهداری سلاح‌های سنگین، مقاومت مسلحانه‌ی مجرمان نگهدارنده‌ی سلاح در مقابل ماموران دولت، قاچاق مواد رادیواکتیو و میکروبی و مقاومت مسلحانه‌ی قاچاقچیان مواد منفجره‌ی نظامی و شیمیایی.⁶¹



اعدام در انظار عمومی



© Getty Images

اعدام در انظار عمومی
© وحید سالمی / AP

⁶⁰ قانون مجازات اسلامی و لایحه‌ی اصلاح آن اشاره‌ای به الحاد نکرده‌اند.

⁶¹<http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8709260378>



مامور شهريانی حلقه‌ي دار را به

© خبرگزاری ایسنا
گردن محکوم می‌اندازد

چارچوب حقوقی بین‌المللی

ایران از سال 1354 عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است. به موجب بند 2 ماده 6 این میثاق که در باره‌ی حق زندگی است: «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده، صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت...» در بند 4 همان ماده تصریح شده که: «هر محکوم به اعدام حق خواهد داشت که درخواست عفو و یا تخفیف مجازات نماید. عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود». بر طبق بند 5: «حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابي اشخاص کمتر از 18 سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجراییست.» در نهایت بند 6 ماده 6 میثاق می‌گوید: «هیچ یک از مقررات این ماده برای تاخیر یا منع الغای مجازات اعدام از طرف هر یک از کشورهای عضو این میثاق قابل استناد نیست.»

آخرین باری که کمیته‌ی حقوق بشر ناظر به اجرای این میثاق گزارش دولت جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داد در سال 1372 بود. در آن زمان، کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل «تعداد بسیار زیاد احکام اعدام صادره و اجرا شده در جمهوری اسلامی ایران در طی دوره‌ی مورد بررسی را محکوم کرد؛ بسیاری از این احکام ناشی از محاکمه‌هایی بودند که در آنها تضمین‌های لازم برای فرایند شایسته‌ی قانونی به درستی رعایت نشده بود. در پرتو مفاد ماده‌ی 6 میثاق، که دولت‌های عضو را که مجازات اعدام را ملغاً نکرده‌اند ملزم می‌کند که اجرای این مجازات را به مهم‌ترین جنایات محدود کنند، کمیته اجرای این مجازات را در مورد جرائمی از نوع اقتصادی، فساد و زنا و یا برای جرائمی که به از دست رفتن زندگی منجر نشده‌اند، در مغایرت با میثاق می‌داند. کمیته ضمناً اجرای اعدام‌ها را در انظار عمومی محکوم می‌کند.»⁶²

دولت ایران از سال 1373 به بعد از ارسال گزارش به کمیته حقوق بشر طفره رفته است. مجلس شورای اسلامی در سال 1372 لایحه الحاق ایران به عهدنامه‌ی بین‌المللی حقوق کودک را با قید این عبارت تصویب کرد: «دولت جمهوری اسلامی ایران این حق را برای خود محفوظ نگه می‌دارد که مفاد یا موادی از کنوانسیون را که با قوانین اسلامی و مقررات جاری بین‌المللی ناسازگار باشند به اجرا نگذارد.» در این زمینه، کمیته‌ی حقوق کودک، که مجمعی از کارشناسان است، تاسف عمیق خود را از این لحاظ ابراز کرد که «از زمان تقدیم گزارش اولیه، هیچ نوع بازبینی در ماهیت گسترده و نادقیق تحفظ کشور عضو انجام نگرفته است. کمیته نگرانی خود را به این ترتیب تکرار می‌کند که ماهیت تحفظ کلی بالقوه بسیاری از مفاد کنوانسیون را نفی می‌کند و موجب نگرانی نسبت به سازگاری آن با هدف و مقصود کنوانسیون می‌گردد.» در پی آن کمیته «توصیه‌ی قبلی خود را تکرار کرد که دولت عضو جنبه‌ی عمومی حق تحفظ خود را با هدف پس گرفتن آن یا محدود کردن آن، بر طبق اعلامیه و برنامه‌ی کار بیانیه‌ی کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال 1993، در وین مورد بازبینی قرار دهد.»⁶³

کنوانسیون خاطر نشان می‌سازد: «یک کودک، هر انسانی است که به سن هجده سالگی نرسیده است» (ماده 1) و «از حق ذاتی زندگی برخوردار است» (ماده 6). «نه مجازات اعدام و نه حبس ابد بدون امکان آزادی در مورد جرائمی که اشخاص زیر 18 سال مرتکب شده‌اند اجرا نخواهد شد» (ماده 37).

قانون مدنی ایران تصریح می‌کند: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است» (ماده 9). بنابراین، صدور حکم

⁶² CCPR/C/79/Add.25، 3 اوت 1993، بند 8

⁶³ ملاحظات پایانی کمیته‌ی حقوق کودک، CRC/C/15/Add.254، 31 مارس 2005، بندهای 6 و 7

اعدام برای نوجوانان زیر 18 سال، هم مخالف مقررات بین المللی است (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی - عهدنامه بین المللی حقوق کودک) و هم مخالف ماده 9 قانون مدنی ایران.⁶⁴

آخرین باری که کمیته‌ی حقوق کودک سازمان ملل احترام به تعهدات مقامات ایرانی طبق کنوانسیون حقوق کودک را در سال فروردین 1383 مورد بررسی قرار داد، این کمیته از دولت عضو «خواست گام‌های لازم را برای تعلیق فوری اجرای کلیه احکام اعدام برای اشخاصی که پیش از 18 سالگی مرتکب جرمی شده‌اند، بردارد؛ اقدامات مناسب قانونی برای تبدیل آن احکام به مجازات‌هایی سازگار با مفاد کنوانسیون به عمل آورد و طبق الزام ماده‌ی 37 کنوانسیون مجازات اعدام را برای اشخاصی که پیش از سن 18 سالگی مرتکب جرم شده‌اند ملغاً کند.»⁶⁵ همان کمیته در سال 1379 نیز توصیه‌ی مشابهی کرده بود.⁶⁶

کمیته ضمناً نگرانی جدی خود را در باره‌ی ماده‌ی 220 قانون مجازات اسلامی ابراز کرد که تصریح می‌کند پدر و جد پدری می‌توانند فرزند را بکشند ولی فقط ملزم به پرداخت دیه و محکوم به تعزیر هستند، و توصیه کرد که «دولت عضو اقدامات لازم از جمله اصلاح ماده‌ی نامناسب قانون مجازات را به عمل آورد تا از عدم برخوردهای تبعیض‌آمیز به این‌گونه جنایات و انجام تحقیقات سریع و کامل و پیگرد کیفری اطمینان حاصل شود.»⁶⁷ علاوه بر این، کمیته به ویژه دولت عضو را ترغیب کرد تا:

- قوانین خود را برای تعیین 18 سالگی به عنوان سن بلوغ و مطابقت الزام‌های حداقل سنی با کلیه اصول و مفاد کنوانسیون و نیز موازین پذیرفته شده بین‌المللی با رعایت منافع کامل کودک مورد بازبینی قرار دهد، و از نبود تبعیض جنسی در این قوانین اطمینان حاصل و اجرای آنها را تضمین کند (بند 23)؛
- صدور و اجرای حکم اعدام را در مورد جرائمی که اشخاص زیر 18 سال مرتکب شده‌اند، فوراً و به مدتی نامحدود معلق کند و کلیه اقدام‌های لازم را برای اجرای بند 30 ملاحظات پایانی حاضر به عمل آورد؛
- فوراً انجام و اجرای هر گونه شکنجه و سایر برخوردها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، مثل قطع عضو، شلاق یا سنگسار را در مورد اشخاص زیر 18 سال معلق کند (بند 73).

به نظر می‌رسد که مقامات ایران تاکنون هیچ یک از توصیه‌های کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل و کمیته‌ی حقوق کودک را در باره‌ی مجازات اعدام به اجرا نگذاشته‌اند.

در اظهار نظر عمومی در باره‌ی ماده‌ی 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، که در 1371 پذیرفته شد، کمیته‌ی حقوق بشر مشخص کرد که این ماده «بطور کلی به الغای [مجازات اعدام] با عباراتی اشاره دارد که قویاً الغای آن را مطلوب می‌داند... کمیته نتیجه‌گیری کرد که کلیه اقدامات مربوط به الغا را باید به عنوان پیشرفت در بهره‌وری از حق زندگی دانست.»⁶⁸ در همان اظهار نظر عمومی آمده است که حکم اعدام باید فقط برای «مهم‌ترین جنایات» صادر شود، که معنای آن این است که مجازات اعدام نباید برای جنایاتی به جز جنایات عمدی با پیامدهای مرگبار یا بسیار وخیم صادر شود.⁶⁹ کمیته‌ی

⁶⁴ این تعبیر از آقای مصطفایی، یک وکیل حقوق بشری، است که وکالت بیش از 20 نفر از نوجوانان زیر حکم اعدام را به عهده دارد: <http://mostafaei.blogfa.com/post-15.aspx>

⁶⁵ ملاحظات پایانی کمیته‌ی حقوق کودک، CRC/C/15/Add.254، 31 مارس 2005، بند 30

⁶⁶ CRC/C/15/Add.123، 28 ژوئن 2000، بند 30

⁶⁷ ملاحظات پایانی کمیته‌ی حقوق کودک، CRC/C/15/Add.254، 31 مارس 2005

⁶⁸ اظهار نظر عمومی شماره 6 کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل در باره‌ی حق زندگی (ماده‌ی 6)، 1982/4/30، بند 6

⁶⁹ اظهار نظر عمومی در باره‌ی ماده‌ی 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند 7

حقوق بشر که طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تشکیل شده اظهار کرده است که «صدور مجازات اعدام برای جرمی که نمی‌توان به عنوان جرائم بسیار مهم تلقی کرد، از جمله ارتداد، مقاربت با هم‌جنس برای بار سوم، رابطه جنسی غیرقانونی، اختلاس به وسیله مسئولان، سرقت توأم با خشونت، با ماده‌ی 6 میثاق مغایرت دارد.»⁷⁰

در سال 1373، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تضمین‌هایی را برای حمایت از حقوق اشخاص محکوم به اعدام پذیرفت. در همان سال، مجمع عمومی سازمان ملل به اتفاق آرا این تضمین‌ها را تصویب کرد. در تضمین شماره‌ی 1 آمده است: «در کشورهایی که مجازات اعدام را ملغاً نکرده‌اند، مجازات اعدام را می‌توان فقط در مورد مهم‌ترین جنایت‌ها صادر کرد و معنای آن این است که حوزه‌ی آنها نباید فراتر از جنایت‌های عمدی یا پیامدهای مرگبار یا پیامدهای وخیم دیگر برود.»⁷¹

همان‌طور که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مشخص کرده، دولت‌ها باید «اطمینان حاصل کنند که مفهوم «مهم‌ترین جنایت‌ها» فراتر از جنایت‌های عمدی با نتایج مرگبار یا پیامدهای بسیار وخیم نرود و مجازات مرگ در مورد اقدام‌های غیرخشونت‌آمیز مثل جرائم مالی، عمل‌کردهای غیرخشونت‌آمیز مذهبی یا بیان عقیده و روابط جنسی میان اشخاص بزرگسال و راضی صادر نشود.»⁷² آشکار است که حوزه‌ی مجازات اعدام در ایران بسیار فراتر از آن می‌رود که قوانین بین‌المللی در زمره‌ی «مهم‌ترین جنایت‌ها» به شمار می‌آورند.

همان‌طور که گزارش‌گر ویژه‌ی سازمان ملل در مورد اقدام‌های فراقضایی در گزارش سالانه‌ی 2005 خاطر نشان کرد: «قوانین تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورها مجازات اعدام را در شرایط معینی الزامی می‌دانند. در نتیجه قضات نمی‌توانند حتی بهترین شرایط را برای صدور مجازاتی خفیف‌تر، حتی حبس ابد، مد نظر قرار دهند. و این امکان نیز وجود ندارد که حکم درجات متفاوت زشتی اخلاقی این‌گونه جنایات مستوجب اعدام را بازتاب دهد.»⁷³ لیکن، در تناقض با موازین بین‌المللی حقوق بشر، مجازات اعدام در مورد تعداد زیادی از جرائم در جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

آخرین نکته که کم‌اهمیت هم نیست این است که مجمع عمومی سازمان ملل از سال 2003 تاکنون هر ساله قطعنامه‌ای در باره‌ی وضعیت حقوق بشر در ایران به تصویب رسانده که همواره به ویژه مساله‌ی مجازات اعدام را مطرح کرده است.⁷⁴ در قطعنامه‌هایی که در آذر 1386 و آذر 1387 به تصویب رسید از دبیر کل سازمان ملل خواسته شده که گزارشی مشروح در باره‌ی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ارائه کند.⁷⁵

⁷⁰ ملاحظات پایانی کمیته‌ی حقوق بشر: سودان طبق ماده‌ی 40 میثاق، سند سازمان ملل CCPR/C/79/Add.85، 19 نوامبر 1977، بند 8،

<http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/0/bc310a747155dff88025655300537fae?Opendocument> (24 مارس 2005)

⁷¹ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، قطعنامه‌ی 1984/50، "تضمین‌هایی برای حفاظت از حقوق اشخاص محکوم به اعدام"، ECOSOC/Res/1984/50، 25 مه 1984،

⁷² قطعنامه‌های 1999/61، 2001/68، 2002/77، 2003/67، 2004/67 و 2005/59، E/CN.4/2005/7 بند 63

⁷³ بند 1d از A/RES/58/195 (دسامبر 2003)، بند 3z از A/RES/59/205 (دسامبر 2004)، بند 2d از A/RES/60/171 (دسامبر 2005)، بند 2d از A/RES/61/176 (دسامبر 2006)، بندهای 1c، 1d، 3a، b، c و d از A/RES/62/168 (دسامبر 2007) و قطعنامه‌ی تصویب شده در کمیته‌ی سوم مجمع عمومی سازمان ملل در نوامبر 2008، بندهای 2a، b و c و بندهای 3a، b، c و d از A/C.3/63/L.40

⁷⁵ نگاه کنید به قطعنامه‌های 168/62 و 191/63 مجمع عمومی سازمان ملل

حق محاکمهی عادلانه

در قانون اساسی ایران برخی از اصول ناظر بر محاکمهی عادلانه پیش‌بینی شده‌اند، از آن جمله‌اند: حمایت یکسان قانون از همگان (اصل 20)⁷⁶، حق رجوع به دادگاه (اصل 34)، حق داشتن وکیل (اصل 35)، صدور حکم بر اساس قانون (اصل 36)، اصل برائت (اصل 37)، و منع شکنجه (اصل 38). اما از آنجا که نهادهای دولتی و از جمله قوه قضائیه، زیر کنترل رهبرند، هیچگونه تضمینی برای اجرای آن اصول وجود ندارد.

دبیر کل سازمان ملل در گزارش اخیر خود در باره‌ی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران خاطر نشان می‌کند: «به رغم تفکیک قوا که در اصل 57 قانون اساسی تصریح شده، مقام رهبری، که در حال حاضر آیت‌الله خامنه‌ای است، بر قوه‌های مجریه، مقننه و قضائیه و دیگر نهادهای اصلی سرپرستی می‌کند. شورای نگهبان متشکل از شش فقیه به انتصاب مقام رهبری و شش حقوق‌دان به پیشنهاد قوه‌ی قضائیه است. این شورا در صورت مغایر دانستن قوانین مصوب پارلمان با قانون اساسی و شرع از قدرت وتوی آنها برخوردار است. مجمع تشخیص مصلحت به عنوان مجمعی مشورتی برای مقام رهبری عمل می‌کند و از اختیار حکمیت نهایی در اختلافات مربوط به قانون‌گذاری بین پارلمان و شورای نگهبان برخوردار است. مجلس خبرگان، متشکل از روحانیانی است که در انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند، و از اختیار انتصاب و برکنارکردن مقام رهبری برخوردار است. مقام رهبری رئیس قوه‌ی قضائیه را منصوب می‌کند و او نیز به نوبه‌ی خود رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل را منصوب می‌کند.»⁷⁷

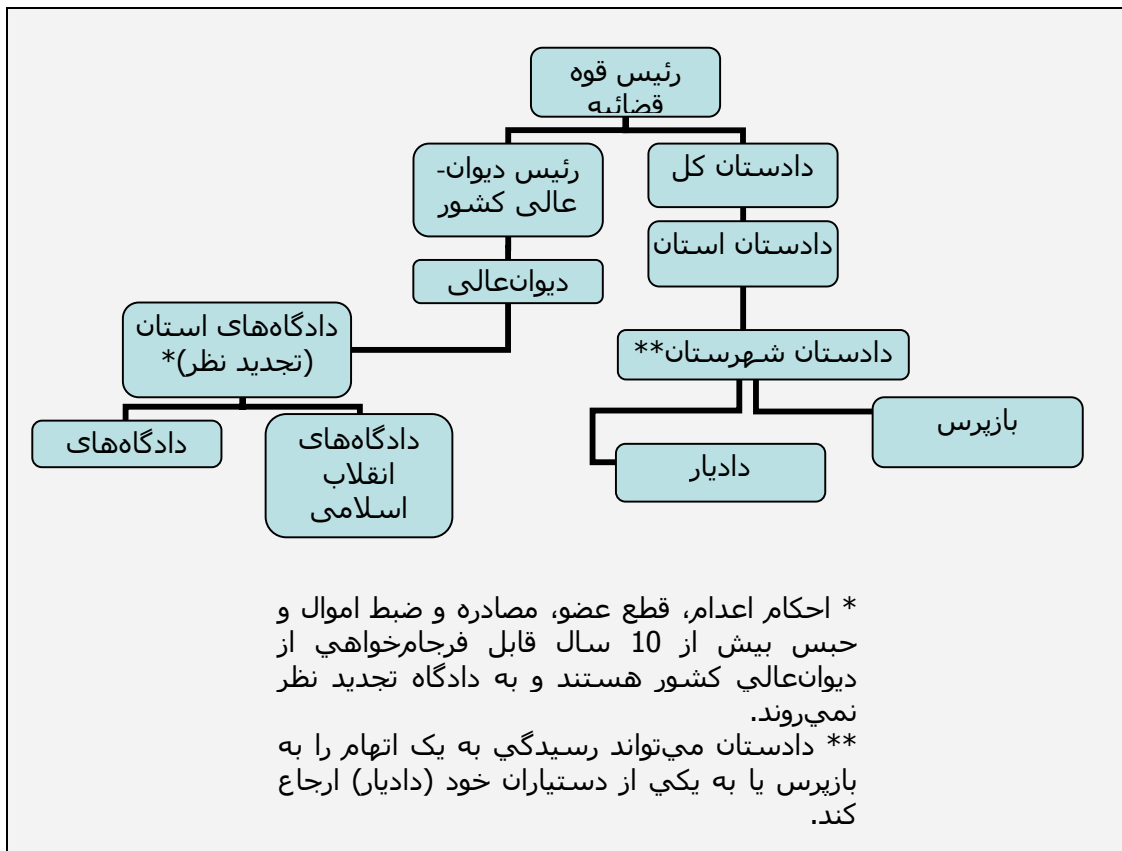
دادگاه‌های ویژه بیشترین احکام اعدام را صادر می‌کنند. به عنوان مثال دادگاه‌های انقلاب اسلامی، با برخی انواع معین جرائم سرورکار دارند، از جمله جرائم علیه امنیت ملی و قاچاق مواد مخدر و نیز تعدادی جرائم دیگر. دادگاه ویژه‌ی روحانیت نیز منحصرًا به جرائم ارتكابی روحانیان یا دیگران، در صورتی که جرم به نوعی مرتبط با روحانیت باشد، می‌پردازد. دادگاه‌های ویژه‌ای نیز بر پایه‌ی اختیاری تشکیل می‌شوند. برای مثال، تشکیل دادگاه ویژه‌ای در زیرمجموعه‌ی «مجتمع ویژه‌ی قضایی برای امور امنیتی» در استان سیستان و بلوچستان در سال 1385 به افزایش شدیدی در تعداد اعدام‌ها در آن استان انجامیده است. گروه تحقیق سازمان ملل در باره‌ی بازداشت‌های خودسرانه، در جریان مأموریت خود به ایران در اواخر سال 1381، از تناقض این دادگاه‌ها با اصل برابری در مقابل قانون یاد کرد و خواستار واگذاری وظایف این دادگاه‌ها به دادگاه‌های عادی شد.⁷⁸

⁷⁶ همان اصل بر برخورداری همه‌ی افراد ملت از «همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» تصریح می‌کند، اما متأسفانه آن را به «رعایت موازین اسلام» محدود می‌نماید.

⁷⁷ گزارش دبیر کل در باره‌ی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، A/63/459، اول اکتبر 2008، بندهای 9 و 10، در: <http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/GEN/N08/530/75/PDF/N0853075.pdf?OpenElement>

⁷⁸ E/CN.4/2004/3/Add.2، 27 ژوئن 2003، بندهای 51 و 56 و توصیه‌ی شماره‌ی 1، در: <http://daccessdds.un.org/doc/UNDOC/GEN/G03/147/77/PDF/G0314777.pdf?OpenElement>

ساختار قوهي قضاييه در ايران



همانطور که در نمودار ملاحظه می‌گردد، دادگاه‌های انقلاب اسلامی بخشی از ساختار قوهی قضاییه به شمار می‌روند، اما در عمل سازمان اداری آنها جدای از دادگستری است که ظاهراً بر دادگاه‌های انقلاب نظارت دارد. از طرف دیگر، دادگاه ویژه روحانیت دارای تشکیلاتی کاملاً مستقل از قوه قضاییه، نظام قضایی موازی و به شدت مخفی، شامل دادستان و دادگاه‌های تجديد نظر و زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های ویژه خود است. برخلاف احکام صادره در دادگاه‌های عمومی و انقلاب اسلامی، حتی احکام اعدام دادگاه ویژه روحانیت برای تجديد نظر به دیوان عالی ارجاع نمی‌شوند، بلکه در دادگاه‌های تجديد نظر خود دادگاه ویژه روحانیت مورد بررسی قرار می‌گیرند. جزئیات مربوط به پرونده‌های این دادگاه گاهی و فقط در صورتی به رسانه‌ها درز می‌کنند که به افراد سرشناس سیاسی مربوط باشند. اصل 159 قانون اساسی تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها را منوط به حکم قانون کرده است، با وجود این قانون‌گذاران هیچ‌گاه قانونی برای تاسیس دادگاه ویژه نگذرانده‌اند.

در جرایم عادی تشریفات رسیدگی تا صدور حکم قطعی اعدام، ممکن است سال‌ها به طول انجامد. در برخی موارد که پرونده در شعبه‌های دیوان عالی کشور یا شعبه‌های تشخیص مطرح بوده، متهم ده سال یا بیش از آن را در زندان گذرانده است.⁷⁹ از طرف دیگر بسیاری از پرونده‌های اعدام فعالان سیاسی نسبتاً سریع، در طی یکی دو سال، به

⁷⁹ گاهی در پرونده‌های قصاص، زندانی محکوم به اعدام باید چندین سال در انتظار رسیدن فرزندان صغیر مقتول به سن قانونی بماند تا آنها در باره‌ی سرنوشت او تصمیم بگیرند؛ یا درخواست قصاص او را بنمایند و یا دیه دریافت کنند.

مرحله‌ی نهایی اجرا می‌رسند. اما همین مدت را نیز شاید بتوان پیش‌رفتی در مقایسه با محاکمه‌های چند دقیقه‌ای دهه‌ی 1360 دانست. علاوه بر این، پرونده‌های اعدام فعالان سیاسی بطور معمول به برخی شعب خاص دیوان عالی ارجاع می‌شوند که سابقه‌ی بدی در نادیده انگاشتن لوایح دفاعی و تأیید احکام اعدام صادره در دادگاه‌های بدوی دارند.

در بسیاری از دادگاه‌ها، قاضی هم‌زمان نقش بازجو، دادستان و قاضی را یکجا ایفا می‌کند. در بسیاری از محاکمه‌های کیفری و به ویژه در محاکمه‌های سیاسی که دادستان یا نماینده‌ی او حضور دارند، تفاوتی در برخورد قاضی، که بی‌طرفی او مورد انتظار است، با دادستان وجود ندارد. در اکثریت قاطع پرونده‌های کیفری و سیاسی، قضات فرض را بر بی‌گناهی متهمان تا اثبات تقصیر آنها قرار نمی‌دهند. به نظر می‌رسد اصل راهنما بر عکس باشد: متهمان مقصرند مگر این که بی‌گناهی آنها ثابت شود.

متهمان از حق داشتن وکیل در طی دوره‌ی بازداشت، بازجویی و تحقیقات ابتدایی برخوردار نیستند. ماده‌ی 128 آئین دادرسی کیفری تصریح می‌کند که «درخصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.» فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر هیچ پرونده‌ای را سراغ ندارد که دادگاه‌ها در آن این اجازه را صادر کرده باشند. قضات از این اختیار برخوردارند که وکلا را از همراهی کردن متهمان منع کنند یا حتا در صورت اعتراض وکلا به روند قضایی ناعادلانه یا اطلاع‌رسانی در باره‌ی روند قضایی ناعادلانه در بعضی موارد، آنها را بازداشت یا زندانی نمایند.

به عنوان مثال در سال 1386، در پرونده‌ی بمب‌گذاری‌ها در استان خوزستان به وسیله‌ی فعالان اقلیت قومی عرب، چندین تن از وکلای پرونده بازداشت و اتهام اقدام علیه امنیت ملی به آنها تفهیم شد، زیرا آنها نامه‌ای منتشر و در آن به روال محاکمه و ممانعت قاضی از دیدار آنها با موکلانشان اعتراض کرده بودند. این وکلا بعداً تبرئه شدند، اما موارد شناخته شده‌ی دیگری نیز بوده که وکلا به خاطر فعالیتشان سرکوب شده‌اند. در سال 1384، دادستان تهران آقای عبدالفتاح سلطانی - یک وکیل سرشناس حقوق بشری - را به اتهام جاسوسی و تبلیغ علیه نظام بازداشت کرد. آقای سلطانی بیش از هفت ماه در بازداشت به سر برد و سپس به پنج سال زندان و پنج سال محرومیت از خدمات اجتماعی محکوم شد. دادگاه تجدید نظر بعداً او را از تمام اتهامات تبرئه کرد. یک وکیل دیگر، آقای ناصر زرافشان، که وکیل خانواده‌ی یکی از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای روشنفکران و نویسندگان سال 1377 بود، به اتهام افشای اطلاعات مربوط به پرونده، پنج سال از 1381 تا 1386 در حبس به سر برد.⁸⁰

انکار حق متهمان در داشتن وکیل و محکومیت مستقیم وکلا به خاطر انجام وظایف حرفه‌ای‌شان آشکارا اصول پایه‌ای سازمان ملل در باره‌ی نقش وکلا را نقض می‌کند. در این اصول تصریح شده که دولت‌ها باید تضمین کنند که «وکلا (الف) بتوانند تمام وظایف حرفه‌ای خود را بدون ارعاب، مانع، آزار یا مداخله‌ی نابجا انجام دهند؛ (ب) بتوانند آزادانه در کشور خود و در خارج مسافرت و با موکلان خود مشورت کنند؛ و (ج) به خاطر اقدامات انجام شده بر طبق وظایف، موازین و اصول شناخته شده‌ی حرفه‌ای، تحت آزار و اذیت یا مجازات‌های اداری، اقتصادی و دیگر مجازات‌ها قرار نگیرند و یا تهدید نشوند» (بند 16). در همان اصول پایه‌ای اضافه شده است: «وکلا به خاطر انجام وظایفشان همبسته با موکلان یا آرمان‌های موکلانشان تلقی نخواهند شد» (بند 18).

⁸⁰ نگاه کنید به گزارش‌های سالانه‌ی برنامه نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر، برنامه‌ی مشترک فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و سازمان جهانی ضد شکنجه

اعدام مجرمان نوجوان

رتبه‌ی اول در میان اعدام‌کنندگان کودکان در جهان قطعا به ایران اختصاص دارد. بیشتر کشورهای دیگر در اثر فشار بین‌المللی و داخلی این رویه را کنار گذاشته‌اند.⁸¹ از سال 1378 تاکنون اعدام حداقل 42 نوجوان در ایران ثبت شده است؛ 13 تن از این تعداد در 1386 اعدام شده‌اند و 8 تن دیگر در سال 1387. ارقام واقعی احتمالا بیشتر از این است. مقامات ایران گاهی ادعا می‌کنند که هیچ‌کس در سن پائین‌تر از 18 در ایران اعدام نمی‌شود. اخیرا، رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد اظهار کرد: «در ایران جوانان اعدام نمی‌شوند. کجا اعدام شده‌اند؟ قوانین ما 18 سالگی را به عنوان سن مسئولیت کیفری تعیین کرده‌اند.»⁸² متأسفانه نگاهی به حقایق موجود در جدول زیر یا بررسی قوانین جاری در ایران آشکار می‌سازد که این اظهارات با واقعیت نسبتی ندارند. در واقع، قوانین موجود در مورد این موضوع کاملا روشن هستند. درست است که به تصریح قانون مجازات اسلامی کودکان از مسئولیت کیفری مبرا هستند، اما به تعریف آن قانون کودک «کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد» (ماده‌ی 49 و تبصره‌ی آن). از طرف دیگر، قانون مدنی ایران که پیش‌تر سن بلوغ را 18 سالگی تعیین کرده بود، در سال 1361 به شرح زیر اصلاح شد: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است»⁸³ (تبصره‌ی 1، ماده‌ی 1210).

کوشش‌هایی برای سازگار کردن این مفاد قانونی با کنوانسیون حقوق کودک انجام شده است، اما این کوشش‌ها جدی نبوده‌اند.

در مرداد 1385، مجلس «لایحه‌ی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان» را در شور اول به تصویب رسانید. آن لایحه نیز تعریفی مشابه قانون مجازات اسلامی از کودک به دست می‌داد، یعنی: کودک «کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.» در عین حال، لایحه در مورد جرائم مستوجب اعدام و حبس ابد که نوجوانان بین سنین 15 تا 18 سال مرتکب شده‌اند، دو تا هشت سال زندان مقرر می‌کرد، ولی یکی از مفاد مبهم آن کماکان به قضات اختیار می‌داد تا کودکان را به اعدام محکوم کنند. بنا به ماده‌ی 33 آن لایحه، در موارد قصاص و حدود، دادگاه فقط در صورتی حکم به دو تا هشت سال حبس خواهد داد که «در رشد و کمال عقل مرتکب شبهه وجود داشته باشد.» در تیر 1386، کمیسیون امور قضایی مجلس به بررسی جزئیات لایحه پرداخت، اما لایحه‌ی مذکور هنوز در صحن مجلس مورد بحث و تصویب قرار نگرفته است.

پیش‌تر از آن، در اسفند 1383، دولت «لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» را به مجلس تقدیم کرده بود. بالاخره پس از چند سال وقفه، مجلس بررسی این لایحه را در آذر 1387 شروع کرد و در تاریخ 24 آذر 1387 کلیات آنرا در شور اول به تصویب رسانید. در این لایحه نیز تصریح شده است که نوجوانان بین سنین 15 تا 18 سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها حبس ابد یا اعدام باشد از دو سال تا هشت سال در کانون اصلاح و تربیت نگهداری خواهند شد (ماده‌ی 33)، اما لایحه مذکور در مورد مساله‌ی قصاص و حدود سکوت کرده است.

⁸¹ در ژوئیه‌ی 2008 (تیر 1387) سه نوجوان در عربستان سعودی، 3 نوجوان در سودان و 1 نوجوان در یمن زیر حکم اعدام به سر می‌بردند. در سال 2007، به جز ایران، عربستان سعودی نیز 1 نوجوان را اعدام کرد. در سال 2008 (شروع از دی 1386)، ایران تنها کشوری بود که نوجوانان را اعدام کرد (نگاه کنید به جدول پیوست با عنوان **گزارش مجرمان نوجوان، آخرین تحولات در 17 تیر 1387** - در تارنمای فدراسیون بین-

المللی جامعه‌های حقوق بشر www.fidh.org

⁸² مصاحبه با نیویورک تایمز، 26 سپتامبر 2008

⁸³ سال قمری 354 روز دارد، و در واقع، سن بلوغ برای پسران کمی بیش از 14/5 سال و برای دختران 8/7 سال شمسی است.

روند مشابهی در پیش‌نویس لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی، که کلیات آن در شور اول در شهریور 1387 به تصویب رسید، نیز قابل ملاحظه است (نگاه کنید به **لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی**). تعریف‌های متضادی از کودک در آن لایحه وجود دارد. گرچه لایحه سن بلوغ را برای پسران 15 سال و برای دختران 9 سال تعیین کرده، اما کودک کسی است که «به سن 18 سال تمام خورشیدی نرسیده باشد» (ماده‌ی 1 - 141). در آنجا همچنین تصریح شده که «در جرایم موجب حد هرگاه اطفال بالغ ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان محکوم خواهند شد» (ماده‌ی 4 - 141). مفاد این ماده به روشنی دست قضاوت را باز خواهد گذاشت تا در صورتی که شخصاً به این تشخیص برسند که مجرم زیر 18 سال «ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک» کرده، مجازات اعدام را صادر کنند. آشکار است که مجلس باید مقررات دو لایحه‌ی رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان و لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی را با هم سازگار و تناقض‌های بین آنها را رفع کند.

در عمل، همان‌طور که از جدول زیر ملاحظه می‌شود، رویه‌ی بسیار رایج این است که نوجوانانی که به اتهام ارتکاب جرائم موجب اعدام محکوم شده‌اند، تا زمانی که به سن 18 سالگی برسند در زندان نگهداری و سپس اعدام می‌شوند.



© خبرگزاری ایسنا

ایاز مرهونی (16 - 17 ساله) و محمود عسگری (16 - 15 ساله) در تیر 1384 در انظار عمومی در مشهد به دار آویخته شدند

در 24 مهر 1387، حسین ذبحی، معاون دادستان کل در امور قضایی، اظهار داشت که بنا به بخشنامه‌ی آیت‌الله شاهرودی، رئیس قوه‌ی قضاییه، مجرمان نوجوان دیگر اعدام نخواهند شد⁸⁴. سه روز بعد او اظهارات خود را پس گرفت. در روز 27 مهر، او گفت که «قصاص، حق خصوصی افراد است و قوه‌ی قضاییه نمی‌تواند در آن دخالت کند.» به‌طور تلویحی این گفته به این معنا بود که اعدام نوجوانان ادامه خواهد یافت. در واقع 11 روز بعد، در روز 8 آبان 1387، مقامات قضایی یک تبعه‌ی افغانستان را اعدام کردند که در هنگام ارتکاب جرم 17 ساله بود (نگاه کنید به مورد شماره‌ی 40 در جدول زیر).

⁸⁴ آیت‌الله شاهرودی پیش‌تر نیز در سال 1382 بخشنامه‌ی مشابهی صادر کرده بود.

اعدام نوجوانان، اسفند 1387 - 1378

نام	سن (زمان اعدام)	سن (زمان جرم اتهام)	اتهام/دلیل اعدام	تاریخ اعدام	محل	ملاحظات
1 ابراهیم	17		قتل	1378/7/22	رشت	
2 جاسم	17		آدم‌ریایی، تجاوز،	/10/24	گناوه	انظار عمومی
3 مهرداد	18	16	قتل	1380/3/8	غرب	
4 یک نوجوان ⁸⁵				1382		
5 محمد	22	17	قتل	1382/11/5	ایلام	
6 سلمان	21	17	قتل	1383/2/22	مشهد	
7 مجتبی	17		نامعلوم	1383/4/22	شیراز	
8 عاطفه	16 ⁸⁶		عمل منافی عفت	1383/5/24	نکا	اعدام - مرکز
9 ایمان فرخی		17	قتل	/10/29	تهران	
10 علی صفرپور	20	16 یا	قتل	1384/4/22	پل-	
11 ایاز مرهونی	16 -		تجاوز به یک پسر	1384/4/28	مشهد	انظار عمومی
12 محمود	15 -		تجاوز به یک پسر	1384/4/28	مشهد	انظار عمومی
13 فرشید	21	14-16	قتل 5 مرد	1384/5/10	بندر	
14 1 پسر	17		آدم‌ریایی و تجاوز	1384/6/1	بندر	انظار عمومی
15 1 مرد	22	17	تجاوز	1384/6/21	فارس	
16 رستم تاجیک		16	قتل	1384/9/19	اصفها	افغان؛ انظار
17 مجید سگوند	17		تجاوز به پسری 12 ساله و قتل او، به همراه یک مرد	1385/2/23	خرم‌آباد	انظار عمومی
18 ستار		17	قتل	شهرپور		
19 مرتضی م	18	16	قتل	1385/8/16	یزد	انظار عمومی
20 ناصر باطماني	22	زیر 18	قتل	آذر- دي 1385	سنندج	کرد
21 مسعود نقی			نامعلوم	1385	لرستا	
22 محمدرضا موسوی شیرازی		17	قتل	1386/2/2	شیراز	
23 سعید قنبر- زهی	17		نسبت خانوادگی با افراد مظنون به	1386/3/6	زاهدان	بلوچ

⁸⁵ دست‌ها از قابیل کوتاه، گزارش سال 2004

⁸⁶ قاضی که او را به اعدام محکوم کرد و شخصا حلقه‌ی دار را به گردن او آویخت، ادعا کرده بود که او 22 ساله است. این مورد وسیعاً در گزارش‌های خبری پوشش داده شد، از جمله در یک فیلم مستند بی بی سی که در آن بستگان عاطفه شناسنامه و گواهی فوت او را به نمایش گذاشتند:

<http://www.youtube.com/watch?v=ftV6ZDRyqe8>

⁸⁷ آسیه امینی در جلسه‌ی کانون مدافعان حقوق بشر، تهران، آذر 1387:

<http://www.irwomen.net/spip.php?article6542>

			بمب‌گذاری				
24	محمد پژمان	زیر 18	تجاوز	اردیبهشت	بوشهر		
25 و 26	2 تبعه‌ی افغانستان	زیر 18	نامعلوم	مهر 1386		منبع: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان	
27	امیر عسگری		نامعلوم				
28	حسین قره-باغلو	19	قتل	1386/7/25	استان تهران		
29	بابک رحیمی	23	احتمالاً زیر 18	1386/7/25			
30	محمد رضا ترک	18	قتل	1386/8/24			
31	مکوان مولودزاده	21	تجاوز به 3 پسر	1386/9/13	کرمان شاه	کرد	
32	امیر هوشنگ فضل‌الله‌زاده		نامعلوم	1386/9/10	تنکابن		
33	محمد فقیری ⁸⁸		نامعلوم	1386	استان اصفهان		
34	جواد شجاعی	23	قتل	1386/12/7	زندان اصفهان		
35	محمد حسن-زاده	16 - 17	قتل	1387/3/21	سنندج	کرد	
36	حسن مظفری		تجاوز	1387/5/1	بوشهر		
37	رحمان شهیدی		تجاوز	1387/5/1	بوشهر		
38	سید رضا حجازی		قتل	1387/5/29	اصفهان		
39	بهنام زارع		قتل	1387/6/5	شیراز		
40	غلامرضا ح	19	قتل	1387/8/8	اصفهان	افغان	
41	احمد زارعی	23	قتل	1387/10/5	سنندج		
42	ملا گل حسن	21	قتل	1387/11/2	زندان اوین	افغان	

منابع: عفو بین‌الملل، گزارش ایران: آخرین اعدام‌کننده‌ی کودکان؛ اطلاعیه‌های اقدام فوری عفو بین‌الملل، کمپین اعدام کودکان را متوقف کنید و دیگر منابع مذکور در جدول

در عین حال که اعدام نوجوانان در ایران به ویژه در سال‌های اخیر باعث اعتراض‌های زیادی از سوی جامعه‌ی بین‌المللی شده است، کوشش‌های مشابهی در داخل ایران در جریان است. کانون مدافعان حقوق بشر، به ریاست شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل صلح، در

⁸⁸ همان

آبان 1387 کارزار برای الغای مجازات اعدام نوجوانان به راه انداخت. در این حال، اطلاعات گردآوری شده در سالهای پیش تر نشان می دهد که اعدام نوجوانان رویه ای مستمر بوده است. در طی سالهای 1357 تا 1378 بیش از 240 مورد اعدام نوجوانان ثبت شده است. با این همه، ارقام واقعی ممکن است بسیار بیشتر باشد. در حدود 200 مورد از این اعدامها، شامل تعداد زیادی از دختران، در طی سالهای پرتلاطم 1362 - 1360، به ویژه در سال 1360، انجام شده اند. بسیاری از آنها دانش آموزانی در سنین 17 - 13 بودند که به خاطر مشارکت در فعالیتهای سیاسی در مقابل جوخه آتش قرار گرفتند.

در تیر 1387، 24 سازمان حقوق بشر منطقه ای و بین المللی مشترکاً اطلاعیه ای منتشر کردند که در آن از مقامات ایرانی خواستند صدور حکم اعدام را برای مجرمان نوجوان متوقف کنند. بنا به آن اطلاعیه «در حدود 140 مورد شناخته شده ی مجرمان در انتظار اعدام در ایران وجود دارد، اما این تعداد ممکن است شامل تمام نوجوانان زیر حکم اعدام نباشد. برای مثال، محمد حسن زاده تا پیش از اعدام او شناخته شده نبود.»⁸⁹



© کمپین اعدام کودکان را متوقف کنید
سعید جزی به اتهام قتل غیر عمدی در سن 17 سالگی محکوم به اعدام بود. خانواده ی مقتول پس از رد شدن فرجام او و صدور اجازه ی اعدام به وسیله ی رئیس قوه ی قضائیه، او را در تیر 1387 مورد عفو قرار داد



© کمپین اعدام کودکان را متوقف کنید
بهنام زارع در تاریخ 5 شهریور 1387 در سن 18 سالگی به اتهام جرمی که در 15 سالگی مرتکب شده بود اعدام شد

سندی با عنوان «گزارش مجرمان نوجوان، آخرین تحولات در 17 تیر 1387»، شامل اطلاعات گردآوری شده به وسیله ی سازمان عفو بین الملل، عمادالدین باقی، فعال حقوق بشر، حقوق بشر ایران و کمپین اعدام کودکان را متوقف کنید، نام حداقل 138⁹⁰ ایرانی (پنج دختر و 133 پسر) را در برمی گیرد که متهم به ارتکاب جرمهایی در پیش از سن 18

⁸⁹ نگاه کنید به: <http://www.fidh.org/spip.php?article5701>

⁹⁰ مقایسه ی سند مذکور با موارد ثبت شده در جدول بالا نشان می دهد که برخی از این نوجوانان پیش از تنظیم آن اعدام شده بودند. برخی نیز پس از آن اعدام شدند.

سالگي هستند. بنا به همان سند، حداقل 16 نوجوان افغاني نيز در زندانهاي ايران در انتظار اعدام به سر مي برند (نگاه كنيد به **جدول گزارش مجرمان نوجوان** در تارنماي فدراسيون بين المللي جامعه هاي حقوق بشر www.fidh.org).

اقلیت‌های مذهبی

مذهب اکثریت قاطع مردم ایران اسلام شیعه است، که خود در جهان اسلام در اقلیت به سر می‌برد. گمان بر این است که 80 تا 90 درصد مردم ایران شیعه هستند. از باقی جمعیت، گویا 9-7 درصد سنی هستند که مذهب اکثریت مسلمانان در جهان است. رسماً بقیه‌ی جمعیت از فرقه‌های مختلف مسیحی، یهودی و زرتشتی هستند. اما پس از سنی‌ها، بهائیان به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی قرار دارند.⁹¹

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری را به عنوان دین رسمی کشور اعلام کرده و تنها سه دین دیگر را به رسمیت شناخته است: مسیحیت، دین یهودیت و دین زرتشتی. براین اساس، قانون اساسی تصریح کرده که پیروان فرقه‌های مختلف سنی و نیز سه دین رسمی دیگر در انجام مراسم دینی خود آزادند (اصل‌های 12 و 13). در نتیجه، قانون اساسی بطوری معنادار و آگاهانه و در تضاد آشکار با ماده‌ی 18 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از به رسمیت شناختن سایر اقلیت‌های مذهبی سر باز زده است.

بهائیان

گمان می‌رود جمعیت بهائیان در ایران در حدود 300,000 نفر باشد. پیروان بهائیت نه تنها از حقوق مدنی محروم بوده‌اند، بلکه تعداد اعدام‌شدگان آنها در مقایسه بیشتر از پیروان تمام ادیان دیگر در ایران بوده است. در بیانیه‌ی کتبی جامعه‌ی بین‌المللی بهائی به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در تاریخ 3 فوریه 2003 (14 بهمن 1381) خاطرنشان شده که از 1357 به بعد بیش از 200 بهائی اعدام یا کشته شده‌اند؛ 15 بهائی نیز ناپدید شده‌اند که آنها نیز احتمالاً به قتل رسیده‌اند.⁹²

مقامات جمهوری اسلامی ایران دین بهائی را به عنوان خطرناک‌ترین شکل ارتداد⁹³ تلقی می‌کنند. یکی از دلایل این تلقی این است که بهائی‌گری در قرن نوزدهم در ایران پدیدار شد.⁹⁴ اما مهم‌تر از آن، این عقیده است که بنیانگذار آن رسول خدا بوده است. اسلام می‌پذیرد که ادیان الهی دیگری نظیر دین یهود و مسیحیت پیش از آن وجود داشته‌اند، اما به حضرت محمد به عنوان آخرین پیامبر خدا و به اسلام به عنوان آخرین دین الهی اعتقاد دارد. دین‌های دیگر، از قبیل بهائی‌گری، دین‌های ساخته‌ی انسان و بنابراین در حکم ارتداد به شمار می‌آیند. همان‌طور که در پیش عنوان شد، هم کتاب آیت‌الله خمینی، تحریر

⁹¹ باید توجه داشت که بنا بر راهنمای جهانی اقلیت‌ها و مردمان بومی، سنی‌ها 10٪، یهودیان 0/04٪ (25,000 نفر)، مسیحیان 250,000 - 200,000 نفر، زرتشتیان 0/02٪ (10,000 نفر) و بهائیان 0/5٪ (300,000 نفر) جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند (نگاه کنید به: <http://www.minorityrights.org/5092/iran/iran-overview.html>). منابع دیگر تعداد زرتشتیان را تا بیش از 30,000 نفر، یهودیان را بیش از 30,000 نفر و سنی‌ها را 9٪ گزارش کرده‌اند (گزارش کشوری: ایران، مه 2008 - کتابخانه‌ی کنگره).
⁹² وبلاگی مختص «شهادت بهائیان در ایران از 1357 تاکنون» 215 نام را فهرست کرده است (نگاه کنید به: <http://bahaimartyrs.blogspot.com/2008/07/1357.html>)

⁹³ نگاه کنید به **ارتداد** در بخش **جارجوب قانونی در داخل کشور**
⁹⁴ میرزا حسین‌علی نوری (مشهور به بهاء‌الله در میان بهائیان) در سال 1853 میلادی (1231) ناگزیر از ترک ایران به مقصد عراق شد که در آن زمان تحت حاکمیت عثمانی بود. دولت عثمانی در سال 1863 میلادی (1241) او را به استانبول و سپس به شهر عکا در فلسطین تبعید کرد و او در سال 1892 میلادی (1271) در آنجا درگذشت

(<http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D9%87%D8%A7%D8%A1%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87>)

الوسیله، و هم قانون اساسی زمینه را برای آزار بهائیان به عنوان مرتد فراهم کرده‌اند. در نتیجه، در 30 سال گذشته، بهائیان در ایران با یکی از گسترده‌ترین سرکوب‌های مذهبی تاریخ اخیر روبرو بوده‌اند. پیروان آن پیوسته به ارتداد، جاسوسی برای اسرائیل و همکاری با صهیونیسم متهم شده‌اند، گویا به این خاطر که مفر جهانی بهائیت و مدفن بنیانگذار آن در اسرائیل است.

حداقل دو مورد اعدام و قتل نوجوانان بهائی مستند شده است. در خرداد 1362، 10 زن بهائی پس از سرباززدن از انکار مذهبشان در شیراز اعدام شدند. اتهام آنها تدریس باورهای بهائی‌گری به کودکان بود. مونا محمودنژاد، که یکی از این 10 زن بود، در هنگام دستگیری 16 ساله و در هنگام اعدام در زندان عادل‌آباد شیراز 17 ساله بود. مورد دوم مربوط به پیمان سبحانی است، پسری 15 ساله، که در سال 1367 در هجوم عوام در خیابان مورد ضرب و شتم و سپس سنگسار قرار گرفت.

مسیحیان

شناسایی مسیحیت در قانون اساسی مانع از آزار و اذیت مسیحیان نشده است. در میان مسیحیان، مسیحیان «غیرقومی»⁹⁵ با بیشترین فشار روبرو بوده‌اند، احتمالاً به این دلیل که برخلاف مسیحیان دارای منشا «قومی»، آنها به فعالیت‌های تبلیغی پرداخته‌اند. به علاوه، بیشترین تعداد قربانیان مسیحی اعدام‌های فراقضایی مسلمانان سابق بوده‌اند که از اسلام به مسیحیت گرویده بودند. گناه آنها ارتداد بود. در حدی که در چارچوب این گزارش می‌گنجد، چندین مورد اعدام فراقضایی و نیز یک مورد اعدام قضایی مسیحیان رخ داده است.

تنها مورد مستند اعدام قضایی یک مسیحی به حسین سودمند، کشیش جماعت ربانی در مشهد در شرق ایران مربوط می‌شود. او به اتهام ارتداد به مرگ محکوم و در آذر 1369 اعدام شد. در وبلاگی که به مستند کردن «شهادت مسیحیت در ایران» اختصاص دارد، اظهار شده که «به همسر نا بینا و بچه‌های کوچک او رحم نکردند»⁹⁶ اما جزئیات بیشتری در باره‌ی سرنوشت خانواده‌ی او ارائه نشده است. همان وبلاگ تعدادی از اعدام‌های فراقضایی مسیحیان، از جمله اعدام چندین کشیش را که بعضاً از اسلام به مسیحیت گرویده بودند، گزارش کرده است.

در 15 اردیبهشت 1383، چهار مسیحی در چالوس در شمال ایران دستگیر و به اعدام محکوم شدند، اما در پی اعتراض‌های بین‌المللی آزادی خود را کسب کردند.

از اواسط پاییز 1386 به بعد، تعداد زیادی از مسیحیان بازداشت و برخی از آنها بعداً آزاد شده‌اند، از جمله 14 نفر در تهران در آذر 1386، 10 نفر در تهران و 16 نفر در اصفهان در اردیبهشت 1387. در میان آنها، آرش بصیرت و محمود متین آزاد در شیراز به ارتداد متهم شدند، اما پس از پنج ماه حبس تیره و آزاد شدند. رامتین سودمند، فرزند حسین سودمند که در 1369 اعدام شد، در اوایل شهریور 1387 بازداشت شد. در آن زمان تصور بسیاری بر این بود که او به ارتداد متهم و با حکم اعدام روبرو خواهد شد. او در تاریخ 1 آبان 1387 به قید وثیقه آزاد شد.

⁹⁵ مسیحیان دارای منشأ قومی در ایران شامل ارمنی‌ها، آسوری‌ها و کلدانیان هستند. آنها غالباً پیروان کلیسای ارتدکس به شمار می‌روند، اما عده‌ای از آنها کاتولیک هستند. مسیحیان غیرقومی غالباً پیروان کلیساهای پروتستان و انجیلی به شمار می‌روند و بسیاری از آنان از اسلام به مسیحیت گرویده‌اند.

⁹⁶ <http://www.jesumygod4.blogspot.com/>

مسلمانان غیر شیعه

در مورد مسلمانان سنی، گاهی تفاوت گذاشتن بین اقلیت‌های مذهبی و اقلیت‌های قومی بسیار دشوار است، زیرا اکثریت قاطع مسلمانان سنی به گروه‌های قومی تعلق دارند. با وجود این، کوشش شده تا موارد مستقیماً مرتبط با تبعیض مذهبی از موارد مرتبط با سرکوب سیاسی تفکیک شوند. مسلمانان سنی رسماً از جایگاه بالاتری نسبت به دیگر اقلیت‌های مذهبی برخوردارند. اصل 12 قانون اساسی مذهب جعفری اثنی عشری را به عنوان دین رسمی کشور اعلام کرده، اما برای «مذاهب دیگر اسلامی... احترام کامل» قائل شده است. این اصل سپس تصریح کرده که آنها کاملاً در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و حتی اولویت فقه آنها را در دادگاه‌ها در امور مربوط به ارث و وصیت، ازدواج، طلاق به رسمیت شناخته و در هرمنطقه‌ای که پیروان این مذاهب اکثریت داشته باشند، بر انطباق مقررات محلی با آن مذاهب در چارچوب قانون تصریح کرده است.

این امر، مقامات را از سرکوب سنی‌ها در مناطقی که آنها در اکثریت هستند، مثل مناطق کردنشین شامل استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام و بخشی از استان آذربایجان غربی، بلوچستان، ترکمن صحرا و مردم عرب استان‌های خوزستان، بوشهر و هرمزگان باز نداشته است.⁹⁷

بیشترین سنی‌های قربانی اعدام نیز، همچون مسیحیان، در اثر اعدام‌های فراقضایی جان باخته‌اند.⁹⁸ اما در 21 فروردین 1387، دو روحانی سنی، مولوی عبدالقدوس ملازهی و مولوی محمد یوسف سهرابی، در زاهدان به دار آویخته شدند. آنها در پی تهاجم نیروهای امنیتی به مدرسه‌ی علمیه‌ی سنیان در شهر در آذر 1386 دستگیر شده بودند. اطلاعیه‌ی دادگستری محل که خبرگزاری نیمه‌رسمی ایسنا آن را منتشر کرد، از آنها به عنوان «مخلان امنیت اجتماعی که قصد ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی را داشتند»⁹⁹ یاد کرد. در تاریخ 13 اسفند 1387، دو روحانی دیگر سنی بلوچ، مولوی خلیل‌الله زارعی و مولوی حافظ صلاح‌الدین سیدی، در زندان زاهدان به دار آویخته شدند. دادگاه انقلاب اسلامی اتهام‌های آنها را محاربه و فساد فی‌الارض از طریق هواداری عضویت... گروهک تروریستی اعلام کرد (روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، 14 اسفند 1387).

⁹⁷ بخشی از مردم در استان خوزستان عرب هستند، اما مذهب بیشتر آنها اسلام شیعه است..

⁹⁸ نگاه کنید به: <http://www.sunni-news.com/?p=775>

⁹⁹ http://www.roozonline.com/archives/2008/04/post_6887.php

اقلیت‌های قومی

چندین اقلیت قومی در ایران وجود دارد. مردمی که به فارسی و گویش‌های مختلف آن سخن می‌گویند بزرگ‌ترین گروه قومی هستند، که بنا بر برخی منابع در حدود 50 درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند. بعد از آنها، بیشترین جمعیت از آن ترک‌های آذربایجانی (بیش از 25%)، کردها (10 - 7%)، بلوچ‌ها (2%)، عرب‌ها (2%) و ترکمن‌ها (بیش از 1%) است.¹⁰⁰

قانون اساسی تصریح کرده که فارسی زبان رسمی است و استفاده از زبان‌های قومی و محلی را در رسانه‌ها و تدریس ادبیات آنها را در مدارس در کنار زبان فارسی مجاز دانسته است. اما، در واقعیت، گروه‌های مختلف قومی پیوسته از نقض حقوق خود گلایه داشته‌اند. اکثر کردها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها پیرو مذاهب مختلف سنی هستند و در نتیجه اقلیت مذهبی نیز به شمار می‌روند. عرب‌های ساکن خوزستان در جنوب غربی اکثراً شیعه هستند، حال آن‌که عرب‌های استان‌های بوشهر و هرمزگان در جنوب سنی هستند. ترک‌های آذربایجان عمدتاً شیعه هستند. در گذشته در میان تمام این اقلیت‌های قومی جنبش‌هایی با خواست احترام به حقوق خود وجود داشته است.

کردها



سال‌ها است که جنبش ملی-گرایانه‌ی قدرتمندی در مناطق گردنشین وجود داشته است. برخی گروه‌های کُرد با خواست خودمختاری از سال 1357 به بعد در ابعادی گسترده با دولت مرکزی جنگیده‌اند و قویا خواستار خودمختاری هستند؛ آنها بیشترین تلفات را در مقایسه با دیگر گروه‌های قومی متحمل شده‌اند.

© جهانگیر رزمی

اعدام در گُردستان، مرداد 1358، عکس برنده جایزه

پولیتزر از جهانگیر رزمی

گزارش سازمان عفو بین‌الملل در باره‌ی اقلیت کُرد اظهار می‌دارد که در پی درگیری‌های سال 58 - 1357 «هزاران کُرد پس از محاکمه‌های فوری به اعدام محکوم شدند.» حاکم شرع آن زمان، خلخال‌ی، پس از انجام محاکمه‌های دسته‌جمعی چند دقیقه‌ای محکومان را به جوخه‌های آتش سپرد. مشهور است که در پاسخ به انتقادات از محاکمه‌های فوری

¹⁰⁰ مقامات ایرانی پیوسته و به عمد از انتشار اطلاعات دقیق در مورد جمعیت گروه‌های قومی خودداری کرده‌اند. گزارش عفو بین‌الملل با عنوان «ایران: تعدیات حقوق بشری علیه اقلیت کُرد» (انتشار: 2008) می‌گوید در حدود 12 میلیون کُرد (17 - 15 میلیون نفر) در ایران زندگی می‌کنند.

[http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/088/2008/en/f45865e9-5e3e-11dd-a592-\(c739f9b70de8/mde130882008eng.html](http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/088/2008/en/f45865e9-5e3e-11dd-a592-(c739f9b70de8/mde130882008eng.html)

که ممکن بود به مرگ اشخاص بی‌گناه منجر شود، آیت‌الله خلخالی - که در آذر 1383 در قم درگذشت - گفت: اگر اعدام شدگانی بی‌گناه بوده باشند، به بهشت می‌روند.¹⁰¹

درحالی‌که تعدادی از رهبران مخالف کُرد جان خود را در اعدام‌های فراقضایی در خارج از دست داده‌اند¹⁰²، فعالان فرهنگی و روزنامه‌نگاران در داخل با سرکوب خشن روبرو هستند. بسیاری از آنها به احکام زندان و برخی نیز به اعدام محکوم شده‌اند.

- عدنان حسن‌پور، روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی کُرد، در بهمن ماه 1385 بازداشت شد. دوست و پسرخاله‌ی او عبدالواحد (هیوا) بوتیمار، که فعال محیط زیست است، در دی ماه 1385 دستگیر شد. هردو آنها در خرداد 1386 پس از گذراندن چندین ماه در بازداشت انفرادی، به اتهام محاربه محکوم به اعدام شدند. از آن پس احکام اعدام آنها دو بار تأیید شده است. اما حکم اعدام حسن‌پور در اوایل مهر 1387 نقض شد. حکم اعدام بوتیمار کماکان به قوت خود باقی است.¹⁰³
- فرزاد کمانگر، آموزگار و فعال فرهنگی کُرد، در مرداد 1385 دستگیر شد، به مدت دو سال تحت شکنجه قرار گرفت و در اسفند 1386 به اعدام محکوم شد.
- فهرستی از 68 زندانی سیاسی کُرد در زندان‌های مختلف که در مهر 1387 منتشر شد، حاکی از این بود که حداقل چهار نفر آنها محکوم به اعدام هستند. نام‌های بوتیمار و کمانگر در این فهرست به چشم نمی‌خورد و اطلاعات مربوط به احکام برخی دیگر از زندانیان ذکر نشده بود.¹⁰⁴

عرب‌ها

اقلیت عرب، که اکثریت آن در استان خوزستان در جنوب غربی ساکن است، همانند دیگر اقلیت‌های قومی از حقوق فرهنگی خود محروم و پیش و پس از انقلاب با سرکوب روبرو بوده است. چند ماه پس از انقلاب 1357، درگیری‌هایی در خوزستان رخ داد که با سرکوب حکومت و به دار آویختن تعداد زیادی به پایان رسید.

در پی سالیان طولانی آرامش نسبی، ناآرامی‌ها در خوزستان، در فروردین 1384 به مرگ تعداد زیادی عرب انجامید که گفته می‌شود برخی از آنها در جریان اعدام‌های فراقضایی کشته شده‌اند. شورش‌ها در پی افشای نامه‌ای منسوب به آقای ابطحي، مشاور رئیس جمهور وقت خاتمی، رخ داد. در آن نامه که به تاریخ 1378 بود و آقای ابطحي اصالت آنرا به شدت تکذیب کرد، پیشنهاد شده بود که جمعیت عرب‌ها در خوزستان با انتقالشان به مناطق دیگر ایران کاهش یابد. در پی آن، چندین بمب در اهواز، مرکز استان خوزستان، و تهران منفجر شد که به کشته شدن تعدادی از مردم انجامید.

در 10 اسفند 1384، تلویزیون شش مرد را نشان داد که گفته می‌شد به خاطر شرکت در بمب‌گذاری‌ها محکوم شده‌اند. دو نفر از آنها روز بعد به دار آویخته شدند. گفته می‌شد حداقل 11 نفر دیگر به اعدام محکوم شده‌اند.¹⁰⁵ در 1385، سی و شش عرب به اعدام یا زندان‌های طولانی مدت محکوم شدند. پنج تن در پی محاکمه‌های ناعادلانه اعدام شدند؛

¹⁰¹ روزنامه انقلاب اسلامی، شماره 704 (ناشر: رئیس جمهور اسبق بنی صدر) (http://enghelabe-eslami.com/dar-in-shomare/704_matn3.htm)

¹⁰² نگاه کنید به: http://en.wikipedia.org/wiki/Mykonos_restaurant_assassinations و http://en.wikipedia.org/wiki/Ghassem_lou

¹⁰³ نگاه کنید به درخواست فوری برنامه‌ی نظارت در: <http://www.fidh.org/spip.php?article5865>

¹⁰⁴ <http://www.fidh.org/spip.php?article5863> گزارش سازمان عفو بین‌الملل با عنوان «در دفاع از حقوق اقلیت‌ها: عرب‌های اهوازی» <http://www.amnesty.org/en/library/info/MDE13/056/2006>

دو اعدام نیز در انظار عمومی انجام شد¹⁰⁶. در 1386، حداقل هشت نفر اعدام شدند و 17 نفر دیگر پس از محاکمه‌های ناعادلانه حکم اعدام دریافت کردند¹⁰⁷.

بلوچ‌ها

بلوچ‌ها که گفته می‌شود بیش از 1/4 میلیون نفر جمعیت دارند، در استان سیستان بلوچستان در جنوب شرقی و در مرز پاکستان و افغانستان ساکن هستند. از اوایل دهه‌ی 1380 شمسی یک گروه مسلح بلوچ به نام جنبش مقاومت مردمی ایران، موسوم به جندالله، با هدف تعیین‌شده‌ی دستیابی به یک نظام دمکراتیک‌تر و حقوق کامل سنی‌ها در ایران با دولت ایران به جنگ برخاسته است¹⁰⁸. واکنش دولت ایران بسیار خشن بوده است. مقامات ایرانی حجت‌الاسلام نکونام، دادستان سابق دادگاه ویژه‌ی روحانیت و معاون سابق دادستان کل را در سال 1385 به ریاست دادگستری سیستان بلوچستان منصوب کردند. از آن پس تعداد احکام اعدام و اعدام‌های انجام شده در منطقه به شدت بالا رفته است. تعداد بسیار زیادی از بلوچ‌ها دستگیر، محاکمه و بعضی از آنها ظرف چند روز پس از محاکمه اعدام شده‌اند. اکثر آنها با اتهام قاچاق مواد مخدر، راهزنی، قتل و آدم-ربایی روبرو بوده‌اند. مشخص نیست که چه تعدادی از آنها در فعالیت‌های مخالف با دولت شرکت داشته‌اند.

- در خرداد 1385، شش نفر به اتهام محاربه و افساد فی‌الارض اعدام شدند، از جمله سعید قنبرزهی که در اسفند 1385 یعنی در 17 سالگی به همراه شش مرد دیگر به مرگ محکوم شده بود. گویا آنها به خاطر نسبت خانوادگی با بمب-گذاران اتوبوسی که به کشته شدن 14 پاسدار انقلاب انجامید، بازداشت شده بودند.
- یعقوب مهرنهاد، رئیس انجمن جوانان صدای عدالت که یک سازمان غیردولتی ثبت شده بود، با تعدادی دیگر از اعضای این انجمن در اردیبهشت 1386 در زاهدان دستگیر شد. وی در عین حال نماینده روزنامه‌ی مردم‌سالاری در استان بود. مهرنهاد بیش از یک سال در بازداشت به سربرد و در طی این مدت به اعدام محکوم و حکم اعدامش تأیید شد. سرانجام او در تاریخ 13 مرداد 1387 اعدام شد. اتهام مهرنهاد همکاری با جندالله بود. او هیچ‌گاه دست به اسلحه نبرده بود و بنا به گزارش‌ها در طی بازداشت از دسترسی به وکیل بی‌بهره بود.
- سازمان عفو بین‌الملل حداقل پنج مورد اعدام بلوچ‌ها را در سال 1386، حداقل 32 مورد و شاید بیش از 50 مورد اعدام را در سال 1385، و تا 50 مورد اعدام را در فاصله‌ی دی 1385 تا مرداد 1386 ثبت کرده است.
- در اسفند 1385، نماینده‌ی زاهدان در مجلس، شهریار در مصاحبه‌ای گفت که دیوان‌عالی کشور حکم اعدام 700 نفر را در استان سیستان بلوچستان تأیید کرده است که در انتظار اجرای حکم به سر می‌برند.
- تارنمایی که اعدام بلوچ‌ها را پیگیری می‌کند از آبان 1385 تا 20 اسفند 1387 تعداد 176 اعدام قضایی و فراقضایی را ثبت کرده است¹⁰⁹.

¹⁰⁶ گزارش سالانه‌ی سازمان عفو بین‌الملل 2007

¹⁰⁷ گزارش سالانه‌ی سازمان عفو بین‌الملل 2008

¹⁰⁸ سازمان عفو بین‌الملل در گزارش خود با عنوان «تعدیات حقوق بشری علیه اقلیت بلوچ، سپتامبر 2007» متذکر شد که جندالله به اعتراف خودش «تعدیات فاحشی از قبیل گروگان‌گیری، کشتن گروگان‌ها و حمله علیه اهداف غیر نظامی» را مرتکب شده است

[http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/104/2007/en/8a1587e6-3b97-11dd-a66b-\(8955c11ff020/mde131042007fas.pdf](http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/104/2007/en/8a1587e6-3b97-11dd-a66b-(8955c11ff020/mde131042007fas.pdf)

¹⁰⁹ <http://www.balochetawaar.com/edaam/list4.htm> و http://www.radiobalochi.org/BH_Rights/ListehBaziEdamiOkhoshteha.html

روش‌های اعدام

در جمهوری اسلامی ایران قضاات از اختیار تعیین روش اعدام برخوردارند و این کار را معمولاً با توجه به نوع جرم انجام می‌دهند. روش معمول اعدام، دار زدن است. دیگر روش‌های اعدام شامل سنگسار به خاطر زنای محصنه، گردن زنی و پرتاب از بلندی، گاهی برای تجاوز و لواط، است. چند نمونه‌ی گزارش‌شده از این روش‌های اعدام از این قرار است: در سال 1366، یک قاضی به سه نفر امکان انتخاب بین 3 روش اعدام را داد؛ آنها روش پرتاب از بلندی را انتخاب کردند؛ در سال 1369، یک مرد از یک بلندی به پایین پرتاب شد؛ در سال 1370، یک مرد از کوه پرتاب شد؛ در سال 1380، گردن یک مرد قطع شد¹¹⁰. در دی 1386، دو مرد جوان در استان فارس به اتهام تجاوز به اعدام با روش پرتاب از بلندی محکوم شدند¹¹¹.

1 - دار

اعدام زندانیان در روزگار قدیم در میدان‌های شهر و از جمله در میدانی در جنوب تهران که معروف به میدان اعدام شد صورت می‌گرفت. در سال‌های پیش از انقلاب 1357 اکثر اعدام‌ها در زندان‌ها انجام می‌شد، اما پس از آن از محل‌های مختلفی برای این کار مورد استفاده قرار گرفته است.

در یکی دو سال اول پس از انقلاب، اعدام بسیاری از زندانیان در داخل زندان‌ها و در مورد شورشیان کرد در خارج از شهرها و به دست جوخه‌های آتش انجام می‌شد. گاهی اوقات محکومان به اعدام را از جرثقیل‌ها یا از پل‌ها یا در خیابان‌ها و میدان‌های اصلی شهرها به دار می‌آویختند و این روشی است که هنوز رایج است. اما امروزه بسیاری از زندانیان را نیز در داخل زندان‌ها به دار می‌آویزند. برخی زندانیان محکوم به اعدام به ضربات شلاق نیز محکوم می‌شوند، که در این صورت مجازات شلاق پیش از اجرای حکم اعدام اجرا می‌شود.

رفتار با زندانیان پیش از اعدام

تعیین این‌که آیا روش یکسانی در سراسر کشور وجود دارد ممکن نیست، اما بنا به اطلاعات موجود در بسیاری موارد زندانیان محکوم به اعدام یکی دو روز پیش از روز اعدام از بند عمومی به سلول‌های انفرادی اعزام می‌شوند. به خانواده‌ی محکوم به اعدام در بعضی موارد، به ویژه در موارد حکم قصاص نفس¹¹²، اطلاع داده می‌شود و در این موارد خانواده محکوم تا آخرین لحظه از امکان تقاضای بخشش و چانه‌زنی بر سر میزان دیه با خانواده‌ی مقتول برخوردار است¹¹³. خانواده‌ی مقتول نیز حضور می‌یابد تا ناظر بر اجرای حکم به درخواست خود باشد. در اکثر موارد دیگر، به ویژه در مورد زندانیان سیاسی، خانواده‌ها بعداً از اجرای حکم مطلع می‌شوند، یعنی وقتی که به آنها گفته می‌شود لوازم

¹¹⁰ گزارش‌های سالانه‌ی سازمان عفو بین‌الملل

¹¹¹ <http://www.qudsdaily.com/archive/1386/html/10/1386-10-12/page58.html>

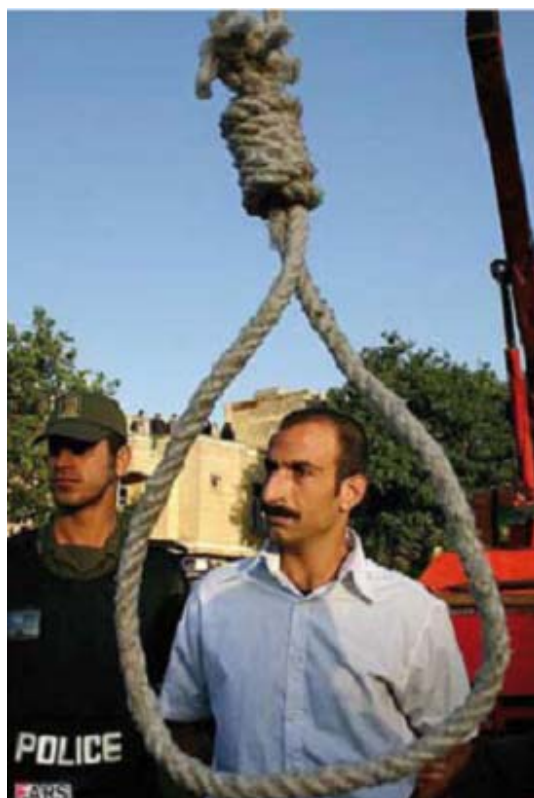
¹¹² نگاه کنید به **چارچوب قانونی در داخل کشور**

¹¹³ «آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق» حضور اشخاص زیر را ضروری می‌داند: قاضی صادر کننده حکم بدوی، رییس اداره زندان یا قائم مقام وی، فرمانده نیروی انتظامی محل یا قائم مقام وی، پزشک قانونی، یکی از روحانیون یا افراد بصیر (غیر الزامی)، منشی دادگاه، اولیاء دم مقتول یا وکیل آنها، وکیل محکوم علیه (غیر الزامی) و شهود در صورت الزام قانونی. در مورد متن این آیین‌نامه نگاه کنید به: http://hoghoogh.online.fr/article.php?id_article=87

شخصي زنداني را تحويل بگيرند¹¹⁴. به زندانيان محكوم به اعدام دستبند و گاهي پابند مي‌زنند، بخصوص زماني که قرار باشد در انتظار عمومي اعدام شوند که در اين صورت بايد از محوطه‌ي زندان به بيرون منتقل گردند.



© Getty Images



© خبرگاري فارس

مردي در لحظات پاياني زندگي



اعدام دسته‌جمعي در سال 1387 بر روي صفحه
تلويزيون ايران

¹¹⁴ اين رويه‌ي جاري است. در دهه‌ي 1360، معمولا خانواده‌هاي زندانيان از اعدام آنها مطلع نمي‌شدند و لوازم شخصي هم غالبا تحويل داده نمي‌شد. بازماندگان قربانيان کشتار 1367 تا به امروز هم از محل دفن عزيزان خود مطلع نشده‌اند (نگاه کنيد به: **کشتار 1367**).

2 - سنگسار

طبق قانون مجازات اسلامي، اثبات زنا/زنای محصنه کار بسیار دشواری است. این جرم در صورتی اثبات می‌شود که مجرم چهار بار در حضور قاضی اقرار به این کار کند یا از طریق شهادت «چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل»¹¹⁵ که باید شاهد دقیق عمل دخول در آمیزش جنسی بین یک مرد و یک زن بوده باشند. کمتر از چهاربار اقرار متهم موجب مجازات دیگری، احتمالاً شلاق، است. گذشته از آن، قاضی می‌تواند از مقام رهبری خواستار عفو زناکاری شود که به عمل خود اقرار و سپس توبه کرده است.



تصویر سنگسار در دوره‌ی قاجار، از کتاب تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه/ چارلز جیمزویلز، انتشارات زرین

شرایط محدودکننده دیگری نیز وجود دارد، که فقدان هر یک از آنها ظاهراً می‌تواند به ابطال شهادت و لغو اتهام زنا/زنای محصنه شود¹¹⁶. اما قضات در موارد مختلف از اختیار صدور حکم بر اساس «علم» خود برخوردار هستند. بدین منوال، تعداد قابل ملاحظه‌ای از احکام سنگسار و نیز دیگر احکام بر اساس «علم قاضی» صادر می‌شود. این روش حتا بر اساس نص قانون مجازات اسلامی غیرقانونی است¹¹⁷.

دبیر ستاد حقوق بشر، محمد جواد لاریجانی، در مصاحبه‌ای از حکم سنگسار با این استدلال دفاع کرد که سنگسار مجازاتی پایین‌تر از اعدام است، زیرا محکوم از امکان نجات

¹¹⁵ بنا به قانون، شهادت دو زن برابر است با شهادت یک مرد.

¹¹⁶ مواد 81 - 68 قانون مجازات اسلامی. برای مشاهده‌ی این مواد و دیگر مفاد ق. م. ا. در باره‌ی زنا، زنای محصنه و سنگسار و نیز آئین‌نامه‌ی مربوطه نگاه کنید به منابع مذکور در پانوشته‌های 33 و 113 یا به پیوسته‌های 2 و 3 در گزارش سازمان عفو بین‌الملل در ژانویه 2008 با عنوان «ایران: به اعدام با سنگسار خاتمه دهید» در: <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/001/2008/en/e809256d-8bc3-11dd-8e5e-43ea85d15a69/mde130012008fas.html>

¹¹⁷ قابل توجه است که قانون مجازات اسلامی «علم قاضی» را مشخصاً به عنوان یکی از راه‌های اثبات سرقت یا قتل تصریح کرده، اما در مورد زنا یا زنای محصنه سخنی از آن نیست. اما، آیت‌الله خمینی به قضات اختیار استفاده از علم خود را در این موارد داده است (تحریر الوسیله، جلد چهارم، ص 197). این کتاب برای صدور حکم سنگسار دو خواهر در سال 1386 مورد استناد قرار گرفت (نگاه کنید به مورد خواهران کبیری‌نیت در زیر).

برخوردار است¹¹⁸. در عمل، همان‌طور که در گزارش زیر مشاهده می‌شود، شرایط تعیین شده برای سنگسار بسیار ظالمانه است¹¹⁹. در گزارشی که سازمان عفو بین‌الملل در سال 1376 منتشر کرد، یک شاهد عینی مشاهده‌ی خود را به این شرح بیان نمود:

«*بک کامیون تعداد زیادی سنگ و سنگریزه در کنار زمین بایر ریخت، و سپس دو زن را که سفید پوشیده بودند و گونی بر سر آنان کشیده بودند به محل آوردند... باران سنگ بر سر آنان باریدن گرفت و آنان را به دو کیسه قرمز تبدیل کرد... زنان زخم‌خورده به زمین افتادند و پاسداران انقلاب با بیل بر سر آنان کوبیدند تا مطمئن شوند آنان مرده‌اند.*»¹²⁰

در مورد سنگسار جعفر کیانی (نگاه کنید به بخش زیر)، شادی صدر، یکی از بنیانگذاران کمپین قانون بی‌سنگسار و وکیل جعفر کیانی و مکره‌ی ابراهیمی، گزارش هولناک زیر را ارائه کرد:

«اندازه سنگ‌ها به حدی بزرگ بود که حتی صورت ظاهری اجرای حکم نیز با اشکال مواجه است... اخبار غیر رسمی... نیز حاکی از آن است که جعفر پس از سنگسار در حالی که گوش و بینی‌اش کنده و له شده بود، همچنان زنده بود و وقتی پزشک قانونی زنده بودن او را تأیید می‌کند، آقای (...) با یک بلوک سیمانی بزرگ بر سرش می‌کوبد و او را به قتل می‌رساند.»¹²¹

موارد اخیر سنگسار

مجازات سنگسار در ایران به ویژه در سال‌های اخیر توجه زیادی جلب کرده است. گرچه آیت‌الله شاهرودی در دی 1381 دستور توقف اعدام از طریق سنگسار را صادر کرد، حداقل 7 مورد سنگسار از آن پس اجرا شده است. بنا به اطلاعاتی که در ابتدا آسیه امینی، روزنامه‌نگار جستجوگر، فاش کرد، در اردیبهشت 1385، یک مرد و یک زن، به نام‌های عباس حاجی‌زاده و محبوبه محمدی، در گورستان بهشت رضای مشهد سنگسار و کشته شدند. رسانه‌های ایران این دو مورد را گزارش نکردند.

در آبان 1385، سخنگوی وقت قوه‌ی قضاییه انجام سنگسار را در ایران تکذیب کرد. با وجود این در تیر 1386، سنگسار دیگری انجام شد که اخبار آن در سطح گسترده‌ای در باره‌ی آن پخش گردید. جعفر کیانی به خاطر زنای محصنه با مکره ابراهیمی در دهی در نزدیکی شهر تاکستان سنگسار و کشته شد. مکره ابراهیمی نیز به سنگسار محکوم شده بود. این زوج که صاحب دو فرزند نیز بودند، یازده سال در زندان سپری کرده بودند. سنگسار کیانی به رغم دستور رئیس قوه‌ی قضاییه در سال 1381 برای توقف احکام سنگسار و نیز دستور ویژه‌ی توقف سنگسار او انجام شد.

¹¹⁸ http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/09/070930_ka-stoning-larijani.shtml

¹¹⁹ در مورد جزئیات نگاه کنید به چارچوب قانونی در داخل کشور. به لحاظ ظاهری طبق ماده‌ی 103 امکان فرار برای قربانی سنگسار وجود دارد: «هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن فرار گرفته فرار کند در صورتی که زنا‌ی او به شهادت ثابت شده برای اجرای حد برگردانده می‌شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود.» اما در عمل، حتی اگر دیگر عوامل مهم مثل ضعف شدید ناشی از جراحی‌ها را نادیده بگیریم، شرایط دفن طوری است که امکان فرار را برای قربانیان، به ویژه برای زنان که تا سینه در گودال دفن می‌شوند، تقریباً غیرممکن می‌سازد. در میان تمام موارد ثبت شده، فرار دو مرد از گودال سنگسار گزارش شده است. جزئیات و شرایط دقیق آنها معلوم نیست (نگاه کنید به 1998 و 2008 در جدول سنگسار، احکام صادر و اجرا شده، اسفند 1387 - 1359 در زیر).

¹²⁰ به نقل از گزارش سازمان عفو بین‌الملل، منبع پیشین

¹²¹ http://www.aftab.ir/news/2007/auq/05/c1c1186332824_politics_iran_takestan.php

سه ماه بعد از آن، محمد جواد لاریجانی، دبیر ستاد حقوق بشر، ایراد را به اشتباه در تصمیم قاضی به اجرای حکم جعفر کیانی نسبت داد. با وجود این، او از درستی حکم سنگسار دفاع و تکذیب کرد که این حکم نوعی شکنجه یا نقض حقوق بشر است.¹²²

در 15 مرداد 1387، سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرد که احکام سنگسار دیگر اجرا نخواهد شد. همچنین او گفت که مقام رهبری دو محکوم به سنگسار را عفو کرده و ضمناً یک حکم سنگسار دیگر به 10 سال زندان و حکم سنگسار دیگری به شلاق تبدیل شده است. او اظهار کرد که کمیسیون عفو و بخشودگی¹²³ قوه قضاییه مشغول بررسی دیگر احکام سنگسار است. تنها یک روز پیش از این که این سخنگو توقف اجرای سنگسار را اعلام کند، دیوان عالی کشور در تاریخ 4 مرداد حکم سنگسار افسانه ر. را در شیراز تأیید کرد.¹²⁴

صدور و اجرای احکام سنگسار دیگر نیز در سال 1387 ادامه یافت (نگاه کنید به جدول زیر). همان طور که پیش تر در مورد دستور توقف اعدام در انظار عمومی ملاحظه شد، برخی از قضات دستورهای توقف رئیس قوه قضاییه، آیت الله شاهرودی، را نادیده می-گیرند، زیرا دستورهای او از اعتبار قانونی برخوردار نیستند. قانون اساسی اختیارات رئیس قوه قضاییه را مشخص کرده است و او نمی تواند مانع اجرای حکم مجازات شود.

اخبار تازه حاکی از اجرای 3 حکم سنگسار در مشهد به تاریخ 5 دی 1387 است. دو نفر به نامهای محمود م. غ (تبعه افغانستان؛ اتهام نامعلوم)، منوچهر خ (به اتهام تجاوز و زنا با محارم) و یک مرد دیگر (اتهام نامعلوم) در گورستان بهشت رضای مشهد سنگسار شدند. از این 3 نفر، نفر اول (محمود) موفق به فرار از گودال شد.¹²⁵ بنا به گزارش دیگری، یک مرد 30 ساله در تاریخ 15 اسفند 1387 در زندان رشت سنگسار شد.¹²⁶

¹²² منبع پیشین

¹²³ یک کمیسیون مرکزی در پایتخت و کمیسیونهای محلی در استانها تشکیل می شوند. کمیسیون مرکزی شامل پنج قاضی به انتصاب رئیس قوه قضاییه است و وظیفه آن بررسی درخواستهای عفو از محکومان یا مقامات قضایی برای محکومان و پیشنهاد عفو به مقام رهبری است. این کمیسیون می تواند تخفیف مجازات یا عفو محکومان را پیشنهاد کند. ماده 22 آئین نامه کمیسیون، 13 مناسبت مخصوص در سال را برای عفو یا آزادی محکومان واجد شرایط مشخص کرده است. بعضی از این مناسبتها روزهای مذهبی هستند مثل ولادت پیامبر و ولادت امامان. بعضی دیگر مناسبتهای ملی هستند از جمله شروع سال نو ایرانی در نوروز. یکی از مناسبتها (ولادت دختر پیامبر) مشخصاً برای اعطای عفو به محکومان زن تعیین شده است. اما، طبق همان ماده، محکومان را می توان در مناسبتهایی با موافقت مقام رهبری مورد عفو قرار داد. طبق ماده 23، سیاستهای عفو و بخشودگی از جمله موارد زیر هستند: «توجه به میزان تأثیر مجازات، اصلاح بزهکار و احراز ندامت؛ توجه به ضرورتها، مصالح اجتماعی، سیاسی و منطقه-ای؛ توجه به موارد حق الناس و فراهم بودن شرایط و موجبات تأمین ضرر و زیان شاکه». این مقررات مرتباً برای اعمال فشار بر برخی از محکومان به کار گرفته شده اند. برای مثال، از زندانیان سیاسی انتظار می رود باورهای خود را نفي کنند تا واجد شرایط عفو شوند. شاید مقرراتی که برخی از زندانیان را از عفو مستثنی می کند نیز به همین اندازه بد باشد: قاچاقچیان حرفه ای مواد مخدر؛ مواردی که مجازات آن حق الناس است مانند قصاص؛ سرقت مسلحانه؛ تجاوز و زنا به عنف؛ مصادیق مهم جرایمی از قبیل جاسوسی، محاربه، قاچاق سلاح و مهمات، اختلاس، ارتشاء و آدمربایی؛ محکومان به جرایم مستوجب حد شرعی اعدام و رجم که با شهادت شهود اثبات شده باشد.

¹²⁴ http://www.roozonline.com/archives/2008/12/post_10840.php و <http://hright.ir/iright/more/17083/>

¹²⁵ http://www.roozonline.com/archives/2008/12/post_10840.php . از سرنوشت او خبری در دست نیست. بنا به قانون مجازات اسلامی، اگر حکم او بر اساس اقرار صادر شده باشد، حکم او منتفی می شود (ماده 103).

¹²⁶ <http://www.autnews.us/archives/1387,12,00019024>

احکام سنگسار انجام نشده

به دنبال اجرای سنگسار در مشهد در اردیبهشت 1385، وکلا و روزنامه‌نگاران حقوق بشری، که برخی از آنها بعداً کمیسیون قانون بی‌سنگسار¹²⁷ را تأسیس کردند، موارد 11 تن از اشخاص محکوم به سنگسار را مستند کردند¹²⁸. این عده شامل 9 زن به نام‌های ایران اسکندری، خیریه والانیا، فاطمه، پریسا اکبری، کبرا نجار، شمامه (مشهور به ملک) قربانی، اشرف کلهری، حاجیه اسماعیلوند، صغری مولایی و دو مرد به نام‌های عبدالله فریورمقدم و نجف اکبری بود. تحقیقات بیشتر به کشف موارد دیگری انجامید از جمله: یک مرد افغان در مشهد، جعفر کیانی و یار او مکرمه ابراهیمی و نیز دو زن به نام‌های لیلا قمی و هاجر¹²⁹. گزارش دیگری در تارنمای میدان متعلق به کمیسیون به دو نام دیگر نیز اشاره داشت: اعظم خنجری و زهرا رضایی¹³⁰.

دیگر احکام سنگسار که بعداً صادر شده از جمله موارد زیر هستند¹³¹:

- یک مرد 49 ساله که گفته است با دختری ازدواج موقت کرده است (دوپیچه وله، بدون ذکر تاریخ)¹³²
- دو خواهر به نام‌های زهره و آذر کبیری‌نیت، هر یک صاحب دو فرزند¹³³. این دو خواهر در مرداد 1386 بر پایه‌ی کتاب تحریرالوسیله‌ی آیت‌الله خمینی¹³⁴ به سنگسار محکوم شدند. در مهر 1387، رئیس قوه‌ی قضاییه دستور بررسی مجدد پرونده‌ی آنها را صادر کرد.
- زتی در مشهد پس از شکایت به دادگاه علیه مردی که به او تجاوز کرده بود، به سنگسار محکوم شد. مرد مذکور پس از این که ادعا کرد آن زن با رضایت تن به آمیزش جنسی داده است، با تحمل 100 ضربه شلاق آزاد شد (روزنامه قدس، 5 مهر 1386).
- مردی که در مشهد به زنا اقرار کرده بود به سنگسار محکوم شد (روزنامه‌ی قدس، 25 بهمن 1386)

از تمامی موارد مستند شده فوق، حکم هفت نفر در اثر کوشش‌های مدافعان حقوق بشر و فشار بین‌المللی تا تابستان 1387 لغو شده بود، یعنی حاجیه اسماعیلوند، اعظم خنجری، زهرا رضایی، پریسا اکبری و شوهرش نجف اکبری، مکرمه ابراهیمی و صغری مولایی.

روش‌های دیگر اعدام به جای سنگسار

مدافعان حقوق بشر نگران این هستند که قوه‌ی قضاییه ممکن است به جای سنگسار در پی جایگزین کردن روش‌های دیگر برای مجازات متهمان باشد. اگر این نگرانی به جا باشد، در این صورت باز حکم اعدام، هر چند به روشی با درد کمتر، برای رابطه‌ی جنسی رضایتی بین بزرگسالان صادر خواهد شد که ناقض موازین بین‌المللی حقوق بشر است (نگاه کنید به **چارچوب حقوقی بین‌المللی**)

¹²⁷ <http://www.meydaan.org/english/petition.aspx?pid=9&cid=46>

¹²⁸ <http://www.meydaan.com/showArticle.aspx?arid=28>

¹²⁹ برای جزئیات اکثر این موارد نگاه کنید به گزارش سازمان عفو بین‌الملل در ژانویه 2008 با عنوان «ایران: به اعدام با سنگسار خاتمه دهید»: <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/001/2008/en/ec69fe85-d981-11dc-a340-29dd7d6e4103/This+document+is+not+available+as+HTML.html>

¹³⁰ <http://www.meydaan.com/showArticle.aspx?arid=493>

¹³¹ <http://www.meydaan.com/showArticle.aspx?arid=493>

¹³² این جزئیات با جزئیات مربوط به عبدالله فریور مقدم مشابهت دارند که در جدول ثبت شده است.

¹³³ <http://hrw.org/english/docs/2008/02/06/iran17989.htm>

¹³⁴ منبع پیشین

در نامه‌ای به تاریخ خرداد 1386 که پنج وکیل هفت زن محکوم به سنگسار نوشته بودند، خاطرنشان شده است که معصومه، مادر 32 ساله‌ی دو کودک، که پیش از آن به سنگسار محکوم شده بود، به جای آن در آبان 1385 به دار آویخته شده است.¹³⁵ گزارشی دیگری در تارنمای میدان به تاریخ 10 دی 1385 حاکی است که مردی که نام رسول قرار بود به جای سنگسار شدن در زندان اوین به دار آویخته شود.¹³⁶ سرانجام، عبدالله فریور مقدم، که پیش‌تر به سنگسار محکوم شده بود، در تاریخ اول اسفند 1387 در شهر ساری به دار آویخته شد.

لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی سنگسار را ملغا نمی‌کند

به نظر نمی‌رسد پیش‌نویس لایحه‌ی اصلاح قانون مجازات اسلامی تغییری اساسی در قانون مجازات اسلامی جاری به بار آورد. اگر تغییری در کار باشد این است که مجازات‌ها به شکل زیرکانه‌تری اجرا خواهند شد. لایحه‌ی زنا را جرمی تلقی می‌کند که قابل گذشت شاکه‌ی خصوصی نیست، چون «صرفاً حق الله است و جنبه‌ی عمومی دارد» (ماده‌ی 3 - 121، بند 1). ماده‌ی 2 - 213 دوبار و ماده‌ی 1 - 313 یک بار از سنگسار نام می‌برند. ماده‌ی 2 - 213 تصریح می‌کند: «چنانچه اقرار کننده... از اقرار خود برگردد و انکار کند مجازات قتل یا رجم ساقط می‌شود... مگر اینکه قاضی علم بین و حسی به آن داشته باشد». این بخش از قانون اختیار بسیار بیشتری از قانون مجازات اسلامی کنونی به قاضی می‌دهد که حتی علم قاضی را ذکر نکرده است.

بنا به ماده‌ی 5 - 221 لایحه، حکم حد زنا در موارد زیر قتل¹³⁷ است: زنا با محارم نسبی، زنا با زن پدر (برای زانی)، زنا با زن مسلمان (برای زانی) و زنا به عنف (تجاوز)، و حکم زنا محصنه را مشخصاً و به صراحت سنگسار می‌داند (بند 5). تنها بندی که ادعا می‌شود به معنای الغای مجازات سنگسار باشد در تبصره 4 همان ماده است: «هرگاه اجرای حد رجم مفسده داشته و باعث وهن نظام شود یا پیشنهاد دادستان مجری حکم و تأیید رئیس قوه قضائیه در صورتی که موجب حد با بینه‌ی شرعی اثبات شده باشد رجم تبدیل به قتل می‌شود و در غیر این صورت تبدیل به حد ضربه شلاق می‌شود.» بر اساس این ماده، کاملاً آشکار است که سنگسار فقط در صورتی انجام نخواهد شد که باعث وهن نظام جمهوری اسلامی شود و حتی در این حالت نیز روش اعدام دیگری جایگزین آن خواهد شد. بنابراین، زناکاران را می‌توان به دار آویخت یا به روش دیگری به جز سنگسار اعدام کرد.

مواد 16 - 221 و 17 - 221 روش انجام سنگسار را شرح می‌دهند و حاوی توضیحاتی مربوط به اندازه‌ی سنگ‌ها عیناً مثل قانون مجازات اسلامی جاری هستند.

تبعیض علیه زنان

گرچه مردان نیز گاهی به سنگسار محکوم می‌شوند، زنان عمده‌ترین قربانیان سنگسار به شمار می‌روند. بررسی دقیق‌تر پرونده‌های زنان محکوم به سنگسار (نگاه کنید به جدول زیر) نشان می‌دهد که برخی از آنان هم به زنا محصنه و هم مشارکت در قتل شوهر خود متهم بوده‌اند. خشونت خانگی، فقر، اعتیاد و بی‌سوادی بعضی از جنبه‌های همیشگی در زندگی این متهمان است. حداقل سه تن از این زنان به اجبار شوهرانشان

¹³⁵ <http://www.meydaan.com/wwShow.aspx?wwid=389>

¹³⁶ <http://www.meydaan.com/wwShow.aspx?wwid=168>

¹³⁷ نگاه کنید به پانوش 37

به کار فحشا می‌پرداختند. بعضی از این زنان از اقلیت‌های قومی بوده‌اند. یک نفر اهل ایل بختیاری، دو تن ترک‌زبان از آذربایجان ایران و دو نفر دیگر از مناطق کردنشین هستند. بنابراین، آنها احتمالاً اهمیت یا معنای اتهام وارده را متوجه نشده‌اند. برای مثال، حاجیه اسماعیل‌وند، یک زن ترک‌زبان، که پس از هفت سال حبس تبرئه و آزاد شد، در زمان تفهیم اتهام «زنای محصنه»، معنای زنا را نمی‌دانست. شمامه قربانی را که یک زن گرد است، شوهر و برادرانش با چاقو مجروح کردند و مردی را که در خانه یافته بودند نیز به قتل رساندند. گزارش‌ها حاکی است که او به زنا محصنه اقرار کرده است با این باور که شوهر و برادرانش را از پیگرد قضایی به اتهام قتل نجات دهد. او بعداً اقرارش را پس گرفته و گفته است که مرد مقتول به او تجاوز کرده است. شمامه پیش از این‌که وکلایش را زیر فشار خانواده‌اش عزل کند، به آنها گفته که اگر موفق شوند او را نجات دهند، باید خودش را بکشند، چون اعضای مذکر خانواده او را زنده باقی نخواهند گذاشت.

سنگسار، احکام صادر یا اجرا شده، مارس 2009 - 1980 (اسفند 1387 - 1359)

سال	محکومیت سنگسار ¹³⁸	اجرای سنگسار	
		عفو بین‌الملل	منابع دیگر
1985 ¹³⁹	2		
1986	«تعدادی ثبت شده است»	6 مرد؛ 2 زن	
1987		1 نفر	
1989		43 نفر به اتهام زنا و فحشا شامل 12 زن و 3 مرد در ورزشگاه فوتبال بوشهر	
1990		6 نفر	
1991	1 زن		
1995		1 مرد به اتهام زنا	در همدان
1996	مکرمه ابراهیمی و جعفر کیانی		
1997	اکتبر: 7 نفر شامل 5 زن	3 مرد؛ 3 زن در خزرآباد ¹⁴⁰	
	اوت: 1 زن (زلیخا کدخدا طرف 24 ساعت پس از دستگیری سنگسار شد)		پس از سنگسار، پزشکان مرگ او را تایید کردند، اما او در سردخانه دوباره جان گرفت. از سرنوشت او خبری در دست نیست.

¹³⁸ گزارش‌ها و بیانیه‌های سازمان عفو بین‌الملل

از دی ماه 1373 شروع و در دی ماه 1374 پایان می‌یابد

¹⁴⁰ این موارد سنگسار به احتمال بالا در منطقه‌ای ساحلی به این نام در نزدیکی ساری، مرکز استان مازندران، اجرا شده است. اما سه دهکده‌ی دیگر، در استان‌های خراسان، یزد و آذربایجان شرقی، وجود دارند که نامشان به انگلیسی به ترتیبی نوشته می‌شود که سازمان عفو بین‌الملل نوشته است، هر چند که روش نگارش نام آنها در فارسی متفاوت است.

1998		نوامبر (آبان) 1377): مردی به نام خسرو ابراهیمی به اتهام زنا	قربانی پس از دفن تا کمر در گودال موفق به فرار و سپس تیرنه شد. محل: لاهیجان در شمال ایران
1999	1 مرد ¹⁴¹		ژانویه (دی 1377) - بابل
2000		حاجیه اسماعیلوند ¹⁴²	
2001		حداقل 2 نفر ¹⁴³	21 مه - زندان اوین
2002	1 زوج ¹⁴⁴	2 نفر	خبریه والانبا (4 بار اقرار)؛ اشرف کلهری
2003		4 نفر در مشهد؛ گیلان محمدی و غلامعلی اسکندری ¹⁴⁵	هر دو در زندان اصفهان
2004		عبدالله فریورمقدم ¹⁴⁶ ؛ پریسا اکبری؛ نجف اکبری؛ لیلا قمی	
2005		ایران اسکندری صغری مولایی؛ فاطمه	در 2006 تایید شد؛ یک بار اقرار
2006		شمامه (ملک) قربانی؛ یک مرد افغان	عباس حاجی زاده و محبوبه محمدی در مشهد
2007		هاجر؛ زهره و آذر کبیری- نیت، یک زن دیگر در مشهد	جعفر کیانی - تاکستان
2008		1 مرد (مشهد) افسانه ر (شیراز) ¹⁴⁷	سنگسار هر 3 نفر در دی ماه 1387 در گورستان بهشت رضای مشهد انجام شد. محمود م. غ موفق به فرار از گودال شد. از سرنوشت او خبری در دست نیست.
2009 (مارس) ¹⁴⁹			زندان رشت ولی آزاد ¹⁵⁰

¹⁴¹ گزارش سالانه 2000 دست‌ها از قایل کوتاه

¹⁴² سازمان عفو بین‌الملل صدور حکم او را در سال 2004 گزارش کرده است.

¹⁴³ به گزارش بی بی سی، دو زن در ماه‌های مه و ژوئیه به وسیله سنگسار اعدام شدند

¹⁴⁴ http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/1435760.stm

گزارش سال 2003 دست‌ها از قایل کوتاه

¹⁴⁵ بنا به بیانیه‌ی عفو بین‌الملل به تاریخ 27 دی 1387 محمدی و اسکندری ممکن است در سال 1384 یا

1385 محکوم شده باشند. دیوان عالی کشور در سال 1387 حکم را تأیید کرد.

¹⁴⁶ عبدالله فریور مقدم پس از تبدیل حکم سنگسار در تاریخ اول اسفند 1387 اعدام شد

¹⁴⁷ <http://www.meydaan.com/Showarticle.aspx?arid=762>

مصاحبه با آقای رئیسی، رئیس کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا در استان فارس

¹⁴⁸ <http://www.campaignforequality.info/spip.php?article3288>

¹⁴⁹ http://www.roozonline.com/archives/2008/12/post_10840.php

¹⁵⁰ اسفند 1387

			کبری نجار، زهرا رضایی و اعظم خنجری	تاریخ نامشخص
--	--	--	------------------------------------	--------------

منابع: سازمان عفو بین‌الملل، گزارش‌های سالانه 1979 تا 2007 و گزارش آن در سال 2008 با عنوان «ایران: به اعدام با سنگسار خاتمه دهید»؛ کمپین قانون بی‌سنگسار؛ روزنامه‌های ایران، دست‌ها از قابیل کوتاه

توضیح:

ارقام مذکور حداقل تعداد اعدام‌ها به وسیله‌ی سنگسار است که رسانه‌ها در سال‌های مختلف گزارش کرده‌اند. مشخص نیست که در سال‌های دیگر که موردی ثبت نشده، سنگساری انجام شده است یا خیر.

نتایج و توصیه‌ها

قوانین جمهوری اسلامی ایران مجازات اعدام را برای تعداد زیادی از جرائم صادر می‌کنند، از جمله برای جرائمی که طبق قوانین بین‌المللی از نوع «مهم‌ترین» جرائم به شمار نمی‌روند، به ویژه جرائم سیاسی، اقتصادی، مواد مخدر و جرائم به اصطلاح جنسی. پیش‌نویس اصلاح قانون مجازات اسلامی که در دستور کار مجلس است، تا حدودی حوزه‌ی مجازات اعدام را کاهش می‌دهد، اما از طرف دیگر ارتداد را در برمی‌گیرد و ضمناً حوزه‌ی آنرا در مورد جرائم مبهمی مثل افساد فی‌الارض گسترش می‌دهد.

گرچه دولت ایران عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک است، مفاد این اسناد بین‌المللی حقوق بشر در زمینه‌ی مجازات اعدام به شدت نادیده گرفته می‌شوند. سال‌هاست که توصیه‌های ارگان‌های مسئول بررسی رعایت این میثاق‌ها خطاب به جمهوری اسلامی ایران اجرا نشده مانده‌اند، به ویژه توصیه‌های مربوط به سن بلوغ فارغ از جنسیت، پایان دادن به محکومیت و اعدام مجرمان نوجوان، محدود کردن حوزه‌ی مجازات اعدام، پایان دادن به اعدام‌ها در انظار عمومی و غیره.

احکام اعدام پس از محاکمه‌های ناعادلانه صادر می‌شود؛ قوه‌ی قضاییه از قوه‌ی مجریه مستقل نیست، چندین دادگاه ویژه وجود دارد و در پرونده‌های حساس حمله به وکلای مدافع و حتی زندانی کردن آنها مکرر رخ می‌دهد.

اعدام نوجوانان مرتب انجام می‌شود و یکی از کارهای بسیار مرسوم نگه‌داری نوجوانان محکوم به اعدام در زندان تا بالا رفتن سن آنها و سپس اعدام ایشان است. از سال 1378 تاکنون، سازمان‌های حقوق بشری حداقل 42 مورد اعدام نوجوانان را ایران ثبت کرده‌اند، که از این تعداد 13 مورد در 1386 و 8 مورد در 1387 رخ داده است. با وجود این، ارقام واقعی بالاتر است. به رغم چندین لایحه‌ی پیشنهادی برای منع اعدام مجرمان نوجوان، هنوز قانون ایران این کار را ممنوع نکرده است.

افرادی از اقلیت‌های قومی در ایران (کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها) غالباً به اتهام جرائم مربوط به امنیت ملی به مجازات مرگ محکوم و سپس اعدام می‌شوند. گاهی فعالان مسالمت‌جو به خاطر چنین اتهام‌های ناعادلانه‌ای محکوم می‌شوند، چون مقامات تفاوتی بین طرفداری مسالمت‌آمیز از حقوق اقلیت‌های مذکور و حملات مسلحانه‌ی خودمختاری‌خواهان قائل

¹⁵⁰ خبرنامه دانشجویان امیرکبیر <http://www.autnews.us/archives/1387.12.00019024>

نیستند. تضمین‌های مربوط به محاکمه‌ی عادلانه نقض می‌شوند و شاهدان عینی مکرر کاربرد وسیع شکنجه در این موارد را گزارش کرده‌اند.

آخرین نکته که کم اهمیت هم نیست، این است که روش‌های اعدام نیز غیرانسانی و تحقیرکننده هستند: مجازات زناي محصنه همچنان سنگسار است، حال آن‌که دیگر مجرمان محکوم به اعدام به دار آویخته می‌شوند. اعدام به وسیله‌ی دار مکرر در برابر دیدگان مردم انجام می‌شود، در حالی‌که این کار با موازین بین‌الملل حقوق بشر مغایر است.

جامعه‌ی مدنی در ایران عمدتاً علیه اعدام به وسیله‌ی سنگسار و اعدام نوجوانان بسیج شده است. اما آمار رسمی در مورد احکام اعدام صادر و انجام شده در دست نیست و این وضع مانع انجام مباحثه‌ی آگاهانه و همگانی در باره‌ی این روش‌ها است.

توصیه‌هایی به دولت ایران

1- در باره‌ی مجازات اعدام

✓ از آنجا که اصول ناظر بر دادرسی عادلانه در محاکمه‌ی های کیفری مورد رعایت قرار نمی‌گیرند، اجرای احکام اعدام متوقف شود. این اقدام بایستی با طرح و تصویب قانونی در مجلس با هدف نهایی الغای مجازات اعدام در ایران انجام شود.

✓ به عنوان گام نخست و به پیروی از موازین بین‌المللی حقوق بشر، جرایم مستوجب اعدام به «مهم‌ترین جنایات» محدود شوند بدون اینکه جرایم جدید مستوجب اعدام تلقی گردند. در پیروی از قانون بین‌المللی حقوق بشر، اجرای مجازات اعدام در موارد جاری را متوقف کنید. همچنین در اجرای مصوبات سازمان ملل ناظر بر حمایت از حقوق محکومان به اعدام، قانون منع اجرای مجازات اعدام عطف به ماسبق شود و بدین ترتیب اجرای حکم اعدام درباره‌ی کسانی که پیش از تصویب این قانون محکوم به اعدام شده‌اند نیز متوقف گردد.

✓ صدور و اجرای حکم اعدام درباره‌ی نوجوانان به فوریت متوقف شود و احکام اعدام کسانی که سن آنان در زمان ارتکاب جرم کمتر از 18 سال بوده است، تخفیف یابد. با توجه به اینکه دو بخشنامه‌ی آیت الله شاهرودی در سالهای 1382 و 1387 درباره‌ی عدم اجرای احکام اعدام نوجوانان مؤثر واقع نشده‌اند، بایستی قانونی مبنی بر منع صدور و اجرای حکم اعدام درباره‌ی نوجوانان به تصویب برسد.

✓ با توجه به اینکه بخشنامه‌ی آیت الله شاهرودی در دی 1381 مؤثر واقع نشده است، صدور و اجرای حکم سنگسار به موجب قانون ممنوع شود. همچنین در اجرای ماده‌ی 7 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نظریه‌ی کمیته‌ی حقوق بشر در سال 1993 و کمیته‌ی حقوق کودک در سال 2005، مجازات‌های بدنی و از جمله شلاق زدن، صلیب کشیدن و قطع عضو ممنوع شوند.

✓ در اجرای بخشنامه‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه، اجرای مجازات اعدام در انظار عمومی ممنوع گردد.

✓ کمیسیون‌های در مجلس مأمور تهیه گزارش‌های در باره‌ی مجازات اعدام و شرایط اجرای آن بشود.

✓ به قابل معامله بودن جرائم بسیار جدی مثل قتل، که امکان چانه‌زنی را برای خانواده‌ی مقتول فراهم می‌کند، پایان دهید.

- ✓ حق تمام محکومان به اعدام را برای درخواست عفو یا تحفیف مجازات، بر اساس مصوبات سازمان ملل ناظر بر حمایت از حقوق محکومان به اعدام، تضمین کنید.
- ✓ شفافیت گردآوری اطلاعات مربوط به مجازات اعدام را در کشور تضمین کنید و آمار مربوط به تعداد احکام اعدام صادره و اجرا شده را هر سال به تفکیک جنسیت، سن، اتهام و غیره منتشر کنید تا امکان مباحثه‌ی آگاهانه همگانی در باره‌ی این موضوع فراهم شود.
- ✓ با هدف الغای مجازات اعدام، به پروتکل دوم اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بپیوندید.

2. درباره‌ی دادگستری

- رعایت کامل استقلال قوه‌ی قضاییه از قوه‌ی مجریه و تضمین اجرای اصل 57 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در باره‌ی تفکیک قوا. بدین منظور توصیه‌های گروه تحقیق سازمان ملل درباره‌ی بازداشت‌های خودسرانه در پی دیدار از ایران در سال 2003، و از جمله انحلال دادگاه‌های انقلاب و دیگر محاکم ویژه، بایستی به مورد اجرا گذارده شوند.
- یک نظام با برنامه و مطمئن معاضدت قضایی برپا کنید تا مشارکت وکلای با تجربه در آن و افزایش دستمزد آنها در چارچوب آن تضمین شود؛ با تشکیل یک راه‌کار نظارتی با مشارکت کانون وکلا، انجام موثر وظایف وکلای فعال در نظام معاضدت قضایی را تضمین کنید؛ دسترسی به وکیل را از زمان دستگیری و در طی مراحل پیش از محاکمه تضمین کنید. همان‌طور که گروه تحقیق سازمان ملل در باره‌ی بازداشت‌های خودسرانه در 2003 ملاحظه کرد: «صرفنظر از ماهیت پرونده، شرکت فعال وکیل در آن باید از شروع مرحله‌ی بازداشت یا حداقل مرحله‌ی تحقیق، در طی مراحل محاکمه و تجدید نظر، مقدور باشد. امکان دسترسی به معاضدت قضایی باید عملی‌تر شود.»
- آزار و اذیت وکلای درگیر در پرونده‌های حساس را خاتمه دهید و رعایت کامل اصول پایه‌ای سازمان ملل در مورد نقش وکلا را تضمین کنید. فدراسیون جامعه‌های بین‌المللی حقوق بشر به یاد می‌آورد که گروه تحقیق سازمان ملل در باره‌ی بازداشت‌های خودسرانه در 2003 توصیه کرد: «مصونیت وکیل در دفاع از پرونده‌ها باید در سندی قانونی که با همکاری نمایندگان کانون وکلا تنظیم می‌گردد مورد تایید مجدد قرار گیرد و به صراحت تضمین شود.»
- دسترسی اعضای جامعه‌ی مدنی به زندان‌ها و تماس با زندانیان محکوم را تضمین کنید. گروه ویژه‌ای از وکلا باید تحت نظارت کانون‌های وکلا برای بررسی شرایط بازداشت زندانیان محکوم تشکیل شود.
- همان‌طور که کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل در 1993 توصیه کرده، تمامی شکایت‌های مربوط به اعدام‌های قضایی، ناپدیدشدن‌ها، شکنجه و بدرفتاری باید مورد رسیدگی قرار گیرد، مجرمین به دست عدالت سپرده شوند و اقداماتی برای جلوگیری از تکرار این‌گونه کارها انجام شود.
- شکنجه به گونه‌ی روشن در قانون مجازات تعریف شود و قانونی در الحاق ایران به عهدنامه بین‌المللی ضد شکنجه، رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده، به تصویب برسد.
- راه‌کارهای موثر و مستقلاً علیه بدرفتاری یا شکنجه ادعایی به وسیله‌ی پلیس تعیین کنید.
- تحقیقات پلیس را به ویژه از طریق گردآوری اطلاعات اساسی و قضایی تقویت و آموزش مناسب در این زمینه‌ها را تضمین کنید.
- طبق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران تصویب کرده است، گزارش ادواری خود را به کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل ارائه کنید.

توصیه‌هایی به جامعه‌ی بین‌المللی

- به گزارش‌گر ویژه‌ی سازمان ملل در باره‌ی اعدام‌های فراقضایی، فوری و خودسرانه ماموریت دهید تا به منظور تحقیق در باره‌ی کاربرد مجازات اعدام در نقض موازین بین‌المللی حقوق بشر و نقض حق زندگی از طرق دیگر از جمله مرگ در زندان، از جمهوری اسلامی ایران دیدار کند.
- با توجه به اینکه رسیدگی به وضعیت حقوق بشر در ایران در سال 2010 در برنامه‌ی کار شورای حقوق بشر سازمان ملل قرار دارد، به چگونگی انجام محاکمه‌های کیفی به طور کلی و اعمال مجازات اعدام به ویژه، اولویت دهید.

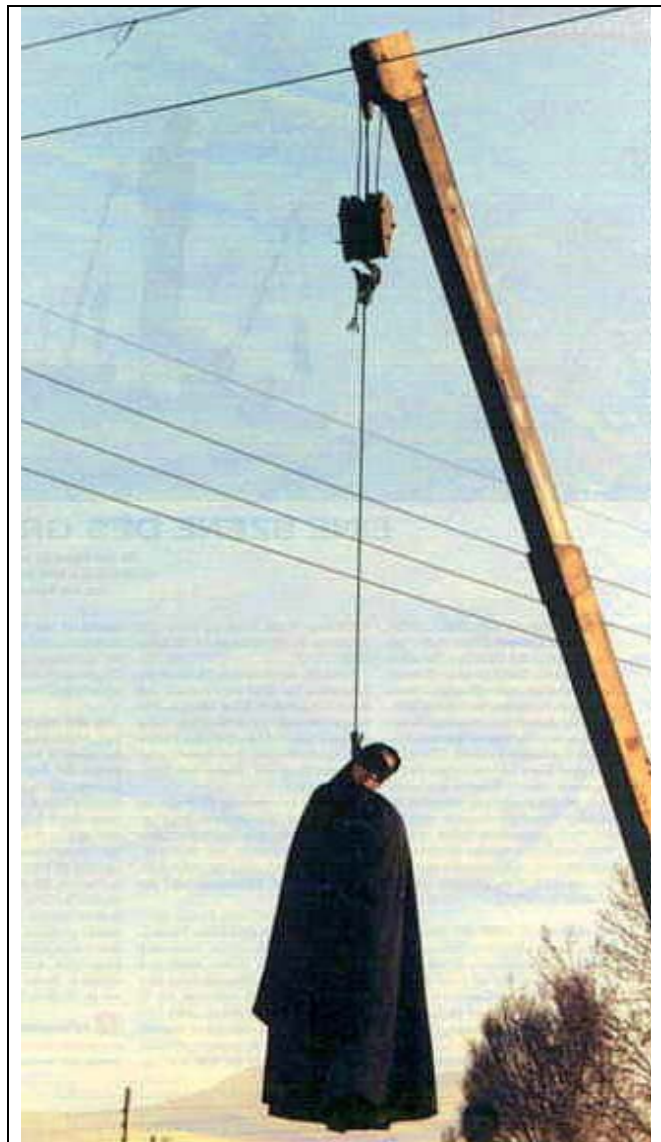
توصیه‌هایی به اتحادیه‌ی اروپا

- ❖ طبق دستورالعمل اتحادیه‌ی اروپا در باره‌ی مجازات اعدام، وضعیت مجازات اعدام را در جریان دیدارهای دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران مطرح کنید.
- ❖ در صورت درخواست دولت ایران، کمک فنی ارائه کنید و اطلاعات لازم را در میان بگذارید.
- ❖ حرکت به سوی لغو مجازات اعدام را تشویق و از کوشش برای گسترش آموزش حرفه‌ای و عمومی حقوق بشر، آموزش در زمینه‌های قضایی و دادستانی پشتیبانی کنید.
- ❖ از ابتکارهای جامعه‌ی مدنی در جهت لغو اعدام در ایران پشتیبانی کنید.



عکس روی جلد:
© خبرگزاری فارس
مرد جوانی به اتهام
قتل یک قاضی دادگاه
انقلاب اسلامی در برابر
تصویر قاضی در انظار
عمومی از جرثقیل به
دار آویخته شده است

این صفحه:
زنی از جرثقیل به دار
آویخته شده است



فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) نماینده‌ی 155 سازمان حقوق بشر در 5 قاره است

چشم‌ها را باز نگه‌داریم

بررسی وقایع:

هیئت‌های تحقیق و نظارت قضایی

از اعزام یک ناظر قضایی به جلسه محاکمه تا سازماندهی یک هیأت تحقیق بین‌المللی، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر مدت ۵۰ سال است که به شکلی قاطع و بی‌طرف به بررسی وقایع و تعیین مسؤلیت هیأت‌ها پرداخته است. کارشناسان به صورت داوطلب اعزام می‌شوند. فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر طی ۲۵ سال گذشته حدود ۱۵۰۰ هیأت به ۱۰۰ کشور اعزام داشته و این اقدامات، کارزارها و دادخواهی‌های فدراسیون را تقویت می‌کند.

حمایت از جامعه‌ی مدنی:

برنامه‌های کارآموزی و تبادل اطلاعات

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر در راستای همکاری با سازمان‌های عضو، سمینارها و کنفرانس‌هایی را در کشورهای آنها برگزار می‌کند. هدف از این برنامه‌ها، تقویت کارایی مدافعان حقوق بشر و نفوذ و اعتبار آنان نزد مقامات محلی است.

بسیج جامعه‌ی بین‌المللی:

تماس مداوم با مراجع دولتی بین‌المللی

فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر از اقدامات جامعه‌های عضو و وابسته‌اش نزد مراجع دولتی بین‌المللی حمایت می‌کند، درباره وضعیت حقوق بشر و موارد نقض آنها هشدار می‌دهد و در تدوین موازین حقوقی بین‌المللی مشارکت می‌نماید.

آگاهانیدن و گزارش‌دهی:

بسیج افکار عمومی

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر به آگاه‌سازی و بسیج افکار عمومی می‌پردازد و با برگذاری کنفرانس‌های مطبوعاتی، صدور اطلاعیه، نامه‌های سرگشاده خطاب به دولتمردان، گزارش‌های تحقیق، درخواست‌های فوری، شکوائیه‌ها، فراخوان‌ها و ... افکار عمومی را در جریان موارد نقض حقوق بشر قرار می‌دهد.

مدیر نشریه : سوهیر بالحسن ویراستار : آنتوان برنار نویسنده : بیژن بهاران هم‌هنگی گزارش : عبدالکریم لاهیجی، فلورانس بلیویه و ایزابل براشه چاپ و نشر : کیودو + آکس	نشانی فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر: 17, Passage de la Main d'Or, 75011 Paris, France CCP Paris : 76 76 Z Tel : (33-1) 43 55 25 18 / Fax : (33-1) 43 55 18 80 Web site : http://www.fidh.org
--	--

چاپخانه فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر - تنظیم فایل کامپیوتری مطابق با قانون ۶ ژانویه ۱۹۷۸

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) نماینده 155 سازمان حقوق بشر در 5 قاره است

ماده ۱: تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه‌ی برادری رفتار کنند. ماده ۲: هر کس می‌تواند بی‌هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و همچنین منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه‌ی آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. ماده ۳: هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. ماده ۴: هیچ کس را نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشت. بردگی و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد، ممنوع است. ماده ۵: هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد. ماده ۶: هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا در برابر قانون به رسمیت شناخته شود. ماده ۷: همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی‌هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه‌ی حاضر باشد، و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند.

در باره‌ی فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH)

- **فدراسیون برای حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر، جلوگیری از تعدیات و اجرای عدالت در مورد مرتکبان نقض حقوق بشر فعالیت می‌کند. اختیارات گسترده:**
- **فدراسیون برای رعایت کلیه‌ی حقوق تصریح شده در اطلاعیه‌ی جهانی حقوق بشر فعالیت می‌کند: حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: یک جنبش جهانی:**
- **فدراسیون در سال 1922 تأسیس شد و امروزه 155 سازمان عضو را در بیش از 100 کشور جهان متحد می‌سازد. فدراسیون فعالیت‌های آنها را هماهنگ و از این فعالیت‌ها حمایت می‌کند و در سطح بین‌المللی صدای آنها به شمار می‌رود. یک سازمان مستقل:**
- **فدراسیون همانند سازمان‌های عضو خود با هیچ حزب یا مذهبی مرتبط نیست و مستقل از تمام دولت‌ها است.**



فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های
حقوق بشر

برای اطلاعات مربوط به 155 سازمان عضو FIDH مراجعه کنید به:
www.fidh.org